

تسجيل و اجرای تعهدات بین المللی حقوق بنیادین بشر در افغانستان: با

الگوهای از میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶

نویسنده: أحمد حنیف حنیف

چکیده

افغانستان ضمن امضاء و تصویب کنوانسیون‌های بین المللی در زمینه‌های مختلف حقوق بشر، اجرای تعهدات بین المللی حقوق بنیادین بشر را متقبل گردیده است. حقوق بنیادین بشر حقوقی هستند که مطابق بند ۲ ماده ۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ (برخلاف حقوق بشری عام) دولت‌ها تحت هیچ‌نوع شرایطی نمی‌توانند آن‌ها را نقض و یا محدود نمایند. این حقوق عبارت‌اند از: منع سلب خودسرانه حیات ماده ۶، منع شکنجه ماده ۷، منع بردگی و خدمت اجباری ماده ۸، ممنوعیت بازداشت افراد به علت ناتوانی در اجرای تعهد قراردادی ماده ۱۱، حق عطف بماسبق نشدن قوانین جزایی مگر به نفع متهم ماده ۱۵، حق برخورداری افراد از شخصیت حقوقی ماده ۱۶ و حق آزادی اندیشه، مذهب و عقیده ماده ۱۸.

نوشتار حاضر کوشیده است تا بعد از ارائه معلومات مختصر پیرامون حقوق بنیادین بشر و مسئولیت بین المللی دولت‌ها در قبال آن‌ها، ابتدا تعهدات بین المللی و ملی افغانستان را در رابطه به حقوق بنیادین بشری فوق مشخص نموده، سپس در روشنی گزارشات مراجع معتبر ملی و بین المللی در مورد وضعیت حقوق بشر در افغانستان، چگونگی تطبیق آن‌ها را در کشور مورد بحث و ارزیابی قرار داده و علل و عوامل آن‌ها را ریشه‌یابی نماید.

کلمات کلیدی: افغانستان، حقوق بشر، تعهدات بین المللی حقوق بشر، قواعد بنیادین حقوق بشر.

مقدمه

حقوق بشر آن دسته از قواعد و هنجارهایی است که چه بر اساس دیدگاه‌های طبیعی از ذات و سرشت طبیعت سرچشمه گرفته باشد و یا از اراده مردم و دولت مردان و یا هردوی آن‌ها، در سطح بین‌المللی از طریق اعلامیه‌ها، رویه‌ها، آراء، میثاق‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی به رسمیت شناخته شده‌اند و افراد و دولت‌ها را مکلف می‌سازد تا با در نظر داشت جایگاه رفیع انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات، در روابط ذات‌البینی شان با یکدیگر این حقوق را رعایت نمایند. از میان این هنجارها دسته‌ای از حقوق‌اند که بنابر پیوند عمیق‌شان با ذات و طبیعت انسان بر اساس اجماع جامعه جهانی در هیچ‌نوع شرایط قابل انحراف و تعلیق نبوده و نقض آن‌ها مسئولیت بین‌المللی و پیگرد قانونی را در قبال دارد که بنام حقوق بنیادین بشر یا هسته سخت حقوق بشر یاد می‌شوند. لذا دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی مکلف‌اند در صورت نقض این حقوق و آزادی‌های اساسی در قلمرو مربوطه شان، مطابق مقررات نافذ و تعهدات‌شان در سطح ملی و بین‌المللی به این قضایا رسیدگی نموده با معجزات مرتکبین، پرداخت غرامت به قربانیان و اتخاذ تدابیری لازم در جهت جلوگیری از وقوع مجدد آنها مسئولیت خویش را ایفا نمایند.

کشور افغانستان نیز با امضاء و تصویب مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر، تعهدات بین‌المللی حقوق بشری زیادی را متقبل گردیده است. یکی از این اسناد میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد که کشور افغانستان در سال ۱۹۸۳ یکجا با میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی، آن را امضاء و تصویب نموده است. میثاق مذکور دربرگیرنده مهم‌ترین حقوق بشری معروف به حقوق سلبی یا نسل اول حقوق بشر و از جمله حقوق بنیادین بشر می‌باشد که دولت‌های تصویب کننده را مکلف می‌سازد تا با اقدامات عملی و سازوکارهای لازم این حقوق را در قوانین داخلی خود درج نموده و در قلمرو مربوطه تطبیق و اجرا نمایند و هم گزارش‌های چگونگی وضعیت حقوق بشر را با اقداماتی که در زمینه انجام داده‌اند، مطابق مقررات میثاق به کمیته مربوطه ارائه نمایند.

در نوشتار حاضر چگونگی اقدامات دولت افغانستان به‌عنوان یک کشوری که به دلایل مختلف با چالش‌های زیاد حقوق بشری مواجه است، در قبال حقوق مندرج میثاق حقوق مدنی و سیاسی و بخصوص حقوق بنیادین بشر مورد مطالعه قرار می‌گیرد. پس بنابر ماهیت موضوع که مستقیماً با مقام و منزلت انسان مرتبط است، می‌توان گفت که تحقیق در این عرصه نیز از ارزش و اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشد. با در نظرداشت توضیحات داده شده، سؤال تحقیق نیز چنین خواهد

تسجیل و اجرای تعهدات بین‌المللی حقوق بنیادین بشر در افغانستان/ ۱۲۵

بود که با توجه به ویژگی‌ها و اهمیت حقوق بنیادین بشر و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال آن‌ها، وضعیت حقوق بنیادین بشر مبتنی بر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در کشور افغانستان چگونه است؟ فرضیه ابتدائی تحقیق نشان‌دهنده آن است که با وجود کوشش‌های انجام شده، کشور افغانستان از لحاظ حقوق بشر بنابر عوامل مختلف در وضعیت نگران‌کننده قرار داشته و در این عرصه با چالش‌های جدی و فراوانی روبرو می‌باشد.

در این نوشتار، در بخش مطالعه نظری، روش جمع‌آوری اطلاعات بیشتر کتاب‌خانه بوده، دیدگاه‌ها و نظریات مختلف حقوق‌دانان و نویسندگان از کتب و مقالات قابل دسترسی جمع‌آوری گردیده و در بخش مطالعه چگونگی وضعیت حقوق بشر در افغانستان، گزارش‌های ارائه شده توسط نهادهای مسئول داخلی و خارجی، با مراجعه به صفحات انترنتی آن‌ها بدست آمده و مورد استفاده قرار گرفته است؛ اما در کل تحلیل موضوعات مربوطه بیشتر با استفاده از روش جامعه‌شناختی حقوقی انجام یافته است.

لازم به یاد آورست که تحقیق حاضر از سه بخش عمده و عناوین فرعی مرتبط تشکیل یافته است. در بخش اول مفهوم حقوق بنیادین بشر و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال آن‌ها در کل مورد بحث قرار گرفته، در بخش دوم تعهدات حقوق بشری کشور افغانستان در بُعد ملی و بین‌المللی توضیح داده شده و در بخش سوم چگونگی وضعیت حقوق بشر و علل نقض آن در افغانستان، در روشنی موضوعات مطروحه بخش‌های قبلی و بر مبنای گزارشات مراجع معتبر ملی و بین‌المللی به ارزیابی گرفته شده است. در نهایت تحقیق با نتیجه‌گیری‌ای که پاسخ نهایی به سؤال مطرح شده در ابتدای تحقیق می‌باشد به پایان رسیده است.

تبصره: طوری که واضح است، بخاطر غنای بیشتر، موضوع حاضر در کنار تحقیقات کتابخانه‌ای ایجاب تحقیقات میدانی، مشاهده مراکز ذی‌ربط و انجام مصاحبه با اهل خیره و دانشمندان و حتی عام مردم، به خصوص قربانیان نقض حقوق بنیادین بشر، را نیز می‌نماید، اما از اینکه در بیرون از محل اصلی آن (کشور افغانستان) انجام یافته، برای نگارنده، هنگام جمع‌آوری معلومات، زمینه استفاده از شیوه‌های فوق‌مقدور نبوده است که این نقیصه بدون شک در کیفیت تحقیق انجام شده بی‌تأثیر بوده نه می‌تواند. از خواننده عزیز با عرض پوزش خواهشمندم تا با بزرگواری خویش این کمبودی را در کنار عجز نگارنده در نظر گرفته، برای تکمیل این تحقیق دیدگاه‌ها و نظریات عالمانه خویش را با ما شریک سازند.

۱- مفهوم حقوق بنیادین بشر و مسئولیت بین المللی دولت‌ها

در ابتدای این نوشتار لازم به نظر می‌آید تا مفهوم حقوق بنیادین بشر را - هرچند به طور مختصر - به معرفی گرفته و سپس مسئولیت بین المللی دولت‌ها در ارتباط با این حقوق را مورد ارزیابی قرار دهیم تا در ضمن مباحث بعدی چگونگی اجرای حقوق بنیادین بشر و مسئولیت‌های دولت افغانستان در رابطه به این حقوق را در روشنی و وضاحت بیشتر مورد بحث قرار داده بتوانیم.

۱-۱ مفهوم و ماهیت حقوق بنیادین بشر

حقوق بشر عبارت از مجموعه امتیازات متعلق به افراد یک جامعه و مقرر در قواعد موضوعه است که افراد، به اعتبار انسان بودن، در روابط خود با سایر افراد جامعه و با قدرت حاکم، با تضمینات و حمایت‌های لازم، از آن برخوردار می‌باشند.^۱ در بُعد بین المللی حقوق بشر آن دسته از قواعد و هنجارهایی است که از سوی اکثریت اعضای سازمان ملل متحد به صورت اعلامیه، بیانیه، میثاق، کنوانسیون و عملکرد، تحت قاعده عام‌الشمول بین المللی به رسمیت شناخته شده‌اند و اساساً رفتار و اعمال واحدهای سیاسی را تحت تأثیر خویش قرار می‌دهند. این قواعد از منابعی همچون عرف بین المللی، قراردادهای بین المللی و قطعنامه‌های سازمان ملل متحد نشأت گرفته‌اند. از میان این سلسله قواعد و هنجارها، یک‌دسته حقوق برجسته‌تر و غیر قابل نقض یا غیر قابل انحراف‌اند که بنام قواعد اساسی و بنیادین حقوق بشر محسوب می‌شوند.^۲ این مجموعه از حقوق، به حقوق اساسی و بنیادین انسان می‌پردازند که فارغ از اختلافات عقیدتی و تفاوت‌های افراد بشر در نژاد، قومیت، ملیت، تابعیت و امثال آن‌ها، وجود آن ذاتی و طبیعی بوده و رعایت آن الزامی و ضروری است.^۳ به بیانی دیگر حقوق بنیادین بشر عبارت‌اند از حقوق ضروری (اساسی) و سایر حقوق بشری عبارت‌اند از حقوق جایز (ممکن خاص) که بر این اساس حقوق ضروری بشر شامل حقوق تضمین شده‌اند و مبنای آن‌ها عقل بوده و زمان و مکان را نه می‌شناسند و تمام انسان‌ها در هر حالت آن‌ها را دارا می‌باشند. در مقابل حقوق جائز بشر در برگیرنده امتیازاتی هستند که سرنوشت شان را نیازها و ضرورت‌های زمان و مکان و توانمندی‌های جوامع انسانی تعیین

۱. هاشمی، سیدمحمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (میزان، تهران ۱۳۹۳) ۱۲.

۲. ابراهیمی، محمدعلی، جایگاه حقوق بشر در نظام حقوقی افغانستان (سفیر نور، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۸۸) ۲۲.

۳. پروین، خیرالله و تجلی، محمد رضا، مبنا و منشأ نظام بین المللی حقوق بشر و نظام حقوق بشر اسلامی (خرسندی، تهران، ۱۳۹۵) ۱۲.

تسجيل و اجرای تعهدات بین‌المللی حقوق بنیادین بشر در افغانستان/ ۱۲۷

می‌کند و مبنای آن‌ها تجربه است.^۴ مطابق بند ۲ ماده ۶ اعلامیه حق توسعه سازمان ملل متحد^۵ و روحیه عمومی سایر اسناد حقوق بشر، قواعد حقوق بشر به‌عنوان یک سیستم واحد، تقسیم‌ناپذیر، جهان‌شمول و با هم پیوند ناگسستنی و رابطه متقابل داشته و مکمل یک‌دیگراند، با آن‌هم ازین میان هستند حقوقی که در حالات اضطراری رسمی، تحت شرایط خاص به حالت تعلیق در می‌آیند. در کنار آن‌ها حقوق غیر قابل تخطی وجود دارد که نه تنها جوهر و ماهیت آن‌ها خدشه‌ناپذیر است، بلکه تعهد به اجرا و ضمانت آن‌ها در هر نوع شرایط و زمان غیر قابل نقض بوده و استثنا را نمی‌پذیرند. هرچند حقوق بنیادین در تمام اسناد بین‌المللی هم‌شکل نیستند ولی در کل دارای مشابهت‌هایی هستند که بر مبنای آن می‌توان آن‌ها را در یک کتگوری قرار داد. در حقیقت این حقوق پدید آورنده ماهیت حقوق بشری دیگری اند که بدون رعایت این‌ها، رعایت سایر اصول ناممکن به‌نظر می‌رسد. بر اساس بند ۲ ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ این قواعد بنیادین عبارت‌اند از: منع سلب خودسرانه حیات، منع شکنجه، منع بردگی و کار اجباری، منع بازداشت افراد به علت ناتوانی در اجرای تعهد قراردادی، حق عطف بماسبق نشدن قوانین جزایی مگر به نفع متهم، حق برخورداری افراد از شخصیت حقوقی و حق آزادی اندیشه، مذهب و عقیده.^۶

در کنوانسیون‌های منطقه‌ای حقوق بشر نیز از میان سایر حقوق بشری، حقوق بنیادین بشر متمایز گردیده و در هر نوع شرایط غیر قابل انحراف معرفی شده‌اند. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که در چهارم نوامبر ۱۹۵۰ تصویب گردیده است طی بند ۲ ماده ۱۵ خویش، حق حیات، ممنوعیت شکنجه، ممنوعیت بردگی و کار اجباری، ممنوعیت مجازات بدون قانون و عطف بماسبق نشدن قانون در امور جزایی را غیر قابل انحراف معرفی نموده است.^۷ هم‌چنان کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مصوب ۲۲ نوامبر ۱۹۶۹ ضمن بند ۲ ماده ۲۷ خویش، از میان حقوق بشری مصرّح در این کنوانسیون، یک تعداد حقوقی را غیر قابل تخطی معرفی کرده که مهم‌ترین آن‌ها قرار ذیل می‌باشد: (حق دارابودن شخصیت حقوقی، حق حیات، حق برائت‌الذمه، ممنوعیت بردگی و بندگی، اصل برابری، اصل عطف بماسبق نشدن قانون، آزادی دین و مذهب، حمایت از

۴. فلسفی، هدایت‌ا... جایگاه بشر در حقوق بین‌الملل معاصر (مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۸/۱۳۷۵) ۲۲۴.

۵. اعلامیه حق توسعه ملل متحد، (قطعنامه ۱۲۸/۴۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۴ دسامبر ۱۹۸۶) بند ۲ ماده ۶.

۶. بند ۲ ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ترجمه باقر انصاری، اسناد بین‌المللی حقوق بشر (خرسندی، تهران، ۱۳۹۵ جلد ۱)

۷. ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر.

خانواده، حق نام‌گذاری کودک، حق دارا بودن تابعیت و حقوق سیاسی.^۸ از دید فلسفی چون این قواعد جزء ذات انسان شناخته می‌شوند و عمیقاً در وجدان بشریت و اندیشه‌های پاک انسانی ریشه دارند، بناءً تابع اراده دولت‌ها نبوده و در هیچ‌نوع شرایط قابل تغییر و یا نادیده گرفتن نه می‌باشند. در واقع این خصوصیات از تعاریفی بر ملا می‌گردد که نظریه پردازان حقوق بنیادین بشر در قالب حقوق طبیعی، سال‌های متمادی کوشش کرده‌اند تا به دولت‌ها بفهمانند که در طبیعت مواردی وجود دارد که فراتر از اراده آنان بوده و هیچ‌کسی نمی‌تواند این حقوق را از بشر سلب نماید.

باید اذعان نمود که قواعد بنیادین حقوق بشر در شرایط کنونی از جمله تعهدات عام‌الشمول بین‌المللی به‌شمار می‌روند. چنانچه محکمه بین‌المللی عدالت در قضیه بارسلونا تراکشن^۹ منع بردگی، منع تبعیض نژادی، منع تجاوز، قواعد و اصول بنیادین مربوط به حقوق اساسی بشر را به‌عنوان مصادیق تعهدات عام‌الشمول بین‌المللی (erga omnes) معرفی نموده است. این بدین معنی است که جامعه بین‌المللی می‌تواند در برابر نقض این تعهدات، واکنش و عکس‌العمل نشان دهد. چنین واکنش می‌تواند که به‌طور انفرادی و یا بصورت دسته جمعی صورت گیرد. چون خصوصیت این نوع تعهدات طوری است که در تأمین و استقرار نظم عمومی بین‌المللی خیلی حائز اهمیت بوده و کلیه دولت‌ها و اشخاص در رعایت چنین تعهدات و تکالیف بین‌المللی ذی‌نفع دانسته شده‌اند، لذا در صورت نقض و تخلف از آن‌ها، مسئولیت بین‌المللی تنها بین دولت خاطی و قربانی مطرح نگردیده، بلکه مطابق نظم نوین بین‌المللی، مسئولیت دولت‌ها به تناسب نوع و ماهیت تعهد در قبال کلیه دولت‌ها مورد توجه قرار خواهد گرفت. برای تأیید این مطلب در موارد زیادی قطعنامه‌هایی توسط مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز صادر گردیده است که حاوی قواعد بنیادین حقوق بشر می‌باشند.^{۱۰} فراتر از این، حقوق بنیادین بشر از جمله قواعد آمره بین‌المللی (jus cogens) نیز به حساب می‌آیند؛ چون شرایطی را که ماده ۵۳ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در خصوص حقوق معاهدات برای قواعد آمره تسجیل نموده است، در حقوق بنیادین بشر موجود می‌باشند، زیرا اینها یگانه حقوقی هستند که طی هیچ‌نوع شرایطی قابل تخطی نبوده و هیچ‌نوع محدودیت را نمی‌پذیرند و کشورها، بر خلاف سایر حقوق، نه می‌توانند

۸. ماده ۲۷ کنوانسیون حقوق بشر آمریکایی.

9. The Barcelona Traction, Light and Power Company, General List No. 50 (ICJ February 5, 1970) p 32, para.34, <<http://www.icj-cij.org/files/case-related/50/050-19700205-JUD-01-00-EN.pdf>> last visit 02/11/2017.

۱۰. قطعنامه‌های ۴۳/۱۳۱ و ۴۵/۱۰۰ مجمع عمومی سازمان ملل، قطعنامه‌های ۶۸۸ و ۷۰۶ شورای امنیت در مورد عراق، قطعنامه‌های ۷۳۳، ۷۴۶ و ۷۹۴ در مورد سومالی و قطعنامه‌های ۷۵۲، ۷۵۸، ۷۶۴، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۸۷، ۷۹۸ در مورد بوسنی هرزگوین همه در برگیرنده قواعد بنیادین بشر هستند.

تسجيل و اجرای تعهدات بین‌المللی حقوق بنیادین بشر در افغانستان/ ۱۲۹

در مخالفت با این نوع حقوق معاهده را منعقد نمایند. و هم این که حق گذاشتن شرط بر این نوع حقوق وجود ندارد. از سویی هم تصویب میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر در سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۶ توسط اکثریت اعضای سازمان، خود بیانگر این امر است که اصول بنیادین حقوق بشر به قواعد آمره بین‌المللی تبدیل شده‌اند.^{۱۱} ماده ۵۳ کنوانسیون بین‌المللی حقوق معاهدات ۱۹۶۹ وین قاعده آمره را چنین تعریف نموده است:

"هر معاهده‌ای که در زمان انعقاد با یکی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام در تعارض باشد، باطل است. قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام از نظر این معاهده، قاعده ایست که جامعه بین‌المللی دولت‌ها، در کل خود، آن را در حد قاعده که هیچ‌گونه تخطی از حدود آن مجاز نیست، و نمی‌تواند جز با قاعده جدید حقوق بین‌الملل عام، با همان خصوصیت، تغییر یابد، پذیرفته و مورد شناسایی قرار داده است."^{۱۲}

به نظر نگارنده با توجه به ماده مذکور و روح سایر کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر و حقوق بین‌الملل عرفی، می‌توان چنین نتیجه گرفت از آن جایی که ماهیتاً هر دو اصطلاح (تعهدات عام‌الشمول و قواعد آمره بین‌المللی) دارای نکات مشترکی هستند، قواعد بنیادین حقوق بشر علاوه بر این که معیارهای موجود در تعهدات عام‌الشمول و قواعد آمره بین‌المللی را دارا می‌باشند، ویژگی دیگری نیز دارند که جایگاه آن‌ها را بالاتر از هر دوی آن‌ها نشان می‌دهد و آن غیر قابل تغییر بودن حقوق بنیادین بشر است. مانند حفظ کرامت انسانی، منع بردگی و یا به رسمیت شناختن شخصیت حقوقی برای انسان که در هیچ صورت قابل تغییر نه می‌باشند. از لحاظ تاریخی باید گفت که، قطع نظر از قدامت حقوق بشر به مفهوم چگونگی رعایت ارزش‌های آن که با تفاوت‌های کم و بیش و پیمودن فراز و نشیب‌های فراوان، با تاریخ بشریت عجین می‌باشد، حقوق بشر واژه نسبتاً جدیدی است که با مدرنیته و به خصوص با اعلامیه‌های حقوق آمریکا و فرانسه در اواخر قرن هجدهم وارد ادبیات حقوقی جهان گردیده است. اعلامیه‌هایی که از نظر شکل، محتوا از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشند، چون از خود آثاری شگفت به سطح جهان به جا گذاشته‌اند. راز موفقیت و فلسفه جهان‌شمولی این اعلامیه‌ها انطباق آن‌ها با روح زمانه بوده است؛ به این معنی که فرهنگ مسلط وقت و یا نیاز مبرم جامعه چنین چیزی را تقاضا می‌کرد. پس از صدور این

۱۱. ذاکریان، مهدی، فراگرد تبدیل قواعد بنیادین حقوق بشر به قواعد آمره، (فصلنامه سیاست خارجی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه ایران، سال چهاردهم، شماره ۴ زمستان ۱۳۷۹) ۱۰۵۳ و ۱۰۵۴.

۱۲. ماد ۵۳ کنوانسیون بین‌المللی برای حقوق معاهدات. رک: هدایت... فلسفی، حقوق بین‌الملل معاهدات (آسم، تهران، چاپ چهارم ۱۳۹۳) ۱۰۸۶.

اعلامیه‌ها انتقاداتی بر مفاهیم اساسی حقوق بشر مندرج در آن‌ها وارد گردید که گمان می‌شد این حقوق نتوانند جایی برای خود در جامعه بین‌المللی باز نمایند. حتی بعضی‌ها به این باور بودند که این‌ها مفاهیمی اند که زاده احساسات بوده و به‌زودی از میان خواهند رفت؛ اما بر خلاف تصور مخالفین حقوق بشر، امروزه از جایگاه والایی در میان ملل مختلف جهان برخوردار بوده و ارزش‌های حقوق بشری استوار و پابرجا باقی مانده است.^{۱۳} با انکشاف سازمان‌های بین‌المللی و بخصوص تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵، حقوق بشر وارد اسناد رسمی بین‌المللی گردید؛ طوری‌که قبل از همه منشور سازمان ملل متحد در مقدمه خود اعتقاد به حقوق بنیادین بشر را درج نمود و منجمله کرامت انسانی، تساوی حقوق زن و مرد، برابری ملت‌های بزرگ و کوچک، ایجاد شرایط لازم برای حفظ عدالت، احترام به الزامات ناشی از معاهدات و کمک به ترقی اجتماعی و شرایط زندگی بهتر با آزادی بیشتر را از اهداف تأسیس سازمان معرفی نمود. هم‌چنان در بند ۳ ماده ۱ ارتقاء و تشویق حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین را بدون هر نوع تبعیض به رسمیت شناخت. علاوه بر آن طی مواد مختلف از جمله مواد ۱۳، ۵۵، ۵۶، ۶۲ و ۷۷، منشور احترام جهانی به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین را از جمله مکلفیت‌های اعضا دانست.^{۱۴} به تعقیب آن در سال ۱۹۴۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر توسط مجمع عمومی صادر گردید که در آن موارد حقوق بشری مصرّح در منشور ملل متحد به‌طور مفصل‌تری مورد تفسیر قرار گرفت. رعایت این اعلامیه به‌طور غیر مستقیم به‌عنوان اصول بنیادین بشریت برای دولت‌ها الزام آور بوده^{۱۵} و از تأثیر گذارترین اسناد بین‌المللی در زمینه حقوق بشر به حساب می‌آید. سازمان ملل متحد در راستای تحقق آرمان‌های این اعلامیه دست به اقدامات عملی‌ای زد که تا جایی موضوعات مندرج اعلامیه را از محدوده حقوق نرم خارج و به حقوق سخت^{۱۶} تبدیل نمود. و آن اینکه در سال ۱۹۶۶ میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی را به‌تصویب

۱۳. فلسفی، هدایت...، صلح جاویدان و حکومت قانون (فرهنگ نشر نو، تهران، چاپ دوم ۱۳۹۴) ۶۴۸-۶۵۱.

۱۴. مواد ۱۳، ۵۵، ۵۶، ۶۲ و ۷۷ منشور ملل متحد.

۱۵. زندگی منش، هییت... در آمدی بر حقوق بین‌المللی بشر (خورسندی، تهران، چاپ اول ۱۳۹۵) ۱۸-۱۹.

۱۶. حقوق نرم در عرصه حقوق بین‌الملل عمدتاً به اسناد غیر الزامی مانند اعلامیه‌ها، قطعنامه‌ها و امثال آن گفته می‌شود که در زمینه‌های مختلف توسط یکی از ارکان سازمان ملل متحد صادر می‌گردند. هرچند این اعلامیه‌ها بطور مستقیم الزامی را متوجه دولت‌ها نمی‌سازند ولی دولت‌ها بخاطر حفظ و ارتقای وجهه بین‌المللی خود، کوشش می‌کنند تا به آن‌ها پابندی نشان دهند. مانند اعلامیه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد در امور محیط زیست، اعلامیه جهانی حقوق بشر و غیره... در واقع سازمان ملل متحد با صدور چنین اعلامیه‌ها ابتدا ذهنیت جهانیان را آماده ساخته سپس به مرور زمان آن‌ها را به کنوانسیون‌هایی ارتقا می‌دهد که الزامی هستند و به آنها حقوق سخت می‌گویند. برای معلومات بیشتر رک: شاهرخ شاکریان، هدایت... فلسفی، شناخت حقوق نرم در سیستم حقوق بین‌الملل (مجله تحقیقات حقوقی، ویژه نامه ۱۱، سال ۱۳۹۱).

تسجيل و اجرای تعهدات بین‌المللی حقوق بنیادین بشر در افغانستان/۱۳۱

رساند که بعداً در سال ۱۹۷۶ اجرایی گردیدند. علاوه بر آن‌ها اقدامات لازم دیگری از آن زمان تا اکنون انجام یافته که در سطح جهان و منطقه، منجر به تشکیل سازمان‌های مستقلی در عرصه‌های حقوق بشر گردیده است. هم‌چنان کنوانسیون‌های زیادی به‌طور مشخص در موارد حقوق اساسی بشر در سطح بین‌المللی به تصویب رسیده و کارگزاری‌های مهمی برای تطبیق آن‌ها تأسیس شده است.^{۱۷} در میان این اسناد و متون که همه با توجه به حقایق و وقایع موجود در جهان تدوین یافته اند، اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ (منشور بین‌المللی حقوق بشر) و میثاق‌های ۱۹۶۶ هسته مرکزی فعالیت‌های تقنینی ملل متحد در عرصه حقوق بشر را تشکیل می‌دهند و از این جهت از اهمیت زیادی برخوردار اند. پس گفته می‌توانیم که سازمان ملل متحد رعایت حقوق بشر را به سطح جهان از تشویق دولت‌ها آغاز و با اقدامات تدریجی زیرکانه، سرانجام به مکلفیت آن‌ها تبدیل نمود.^{۱۸}

۲-۱ مسئولیت دولت‌ها در قبال حقوق بنیادین بشر

ماهیت تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در قلمرو حقوق بشر با ماهیت سایر تعهدات آن‌ها در عرصه بین‌المللی یکسان نیست، چون در سایر تعهدات مبنای تعهد آن‌ها اصول برابری و تبادل است؛ در حالی که در قلمرو حقوق بشر تعهدات دولت‌ها آن‌ها را در برابر تمامی افراد اعم از اتباع خود کشورها و بیگانگان ملتزم می‌کند تا در قلمرو نظام داخلی خود زمینه اجرای این تعهدات را فراهم سازند.^{۱۹} علاوه‌تاً با در نظر داشت ویژگی‌ها و اهمیتی که در ضمن عنوان قبلی برای حقوق بنیادین بشر ذکر گردید، به نظر می‌رسد، نقض حقوق بنیادین بشر در نظام حقوقی نوین جهان موجب بار مسئولیت دولت ناقض این حقوق در برابر همه جامعه بین‌المللی می‌شود. چون حقوق بنیادین بشر بدون در نظر داشت تفاوت‌های جغرافیایی، سیاسی، نژادی و امثال آن متعلق به همه خانواده بشریت می‌باشد. این حقوق از جمله تعهدات عام‌الشمول بین‌المللی شناخته شده‌اند، بناءً نتیجه نقض آن‌ها نیز صرف متعلق به طرف زیان‌دیده نبوده، بلکه در کل به جامعه بین‌المللی تسری می‌یابد. از همین جاست که در شرایط امروزین در سطح جامعه بین‌المللی، نهادهای بزرگی مانند محکمه بین‌المللی عدالت، محکمه بین‌المللی جزایی، شورای امنیت سازمان ملل متحد، مجمع

۱۷. شاو، مالکوم ناتان، حقوق بین‌الملل بشر، ترجمه مجتبی اصغریان (خورسندی، تهران، چاپ دوم ۱۳۹۵) ۶۷-۹۳.
۱۸. فلسفی، هدایت‌ا...، تدوین و اعتلای حقوق بشر در جامعه بین‌المللی (مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۶ و ۱۷، ۱۳۷۴) ۱۰۲ و ۱۰۳.

۱۹. فلسفی، هدایت‌ا...، جایگاه بشر در حقوق بین‌الملل معاصر، پیشین، ۲۳۳.

عمومی سازمان ملل متحد، کمیته‌های مربوطه و محکمه بین‌المللی حقوق دریاها برای رسیدگی به این امور مؤظفند. نظام مسئولیت بین‌المللی با پیشینه تاریخی خود در مسیر زمان سیر انکشافی خود را پیموده تا اینکه به صورت یک نظام مستقل تحت عنوان (حقوق مسئولیت بین‌المللی) درآمده است. این نوع مسئولیت متوجه تابعان فعال حقوق بین‌الملل (دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی) بوده اگر دولت‌ها به طور مستقیم یا توسط مامورین خود اعم از دولتمردان، کارمندان، و یا ارکان جمعی قوای ثلاثه مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی شوند، مسئولیت آن‌ها متحقق می‌شود. به همین طور سازمان‌های بین‌المللی که خارج از بحث ما می‌باشد.

تلاش‌های سازمان ملل متحد در جهت ترویج و حمایت از حقوق بشر ابعاد مختلفی داشته است که در کنار تدوین و تصویب اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های مختلف بخاطر شناسایی حقوق بشر و پیگیری آن به طور مستمر، ایجاد نهادها و سازوکارهای لازم بخاطر تضمین رعایت حقوق بشر و هم‌چنان شناسایی حقوق جدید و تکثیر و تقویت نهادها و مکانیزم نظارتی و تضمینی و امثال آن‌را شامل می‌شود. اما به نظر می‌رسد که مسئولیت بین‌المللی دولت برای رعایت و تضمین رعایت حقوق بشر در این زمینه نقش اساسی و تعیین کننده داشته و از اهمیت خاصی برخوردار است. دولت در آنجایی که به رعایت حقوق بشر مکلف است، صرف مسئول اعمال خود، ارکان و کارگزاران خود می‌باشد، در حالی که در موضوع مکلفیت به تضمین رعایت حقوق بشر، مسئول رعایت حقوق بشر توسط تمامی افراد تحت صلاحیت خود در سرزمین مربوطه نیز می‌باشد، تا آنان را هم به رعایت حقوق بشر وادار سازد. به عبارت دیگر دولت نمی‌تواند در صورتی که حقوق بشر توسط ارکان، نهادها و کارگزاران خودش نقض نشده بلکه توسط افراد تحت صلاحیت‌اش نقض گردیده، از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند، بلکه در خصوص تمامی اقداماتی که توسط افراد در حیطه صلاحیت آن دولت صورت می‌پذیرد، به تضمین رعایت حقوق بشر توسط آن‌ها مکلفیت دارد. پس می‌بایست تمام تدابیر لازم و مقتضی را در راستای این تضمین به کارگیرد تا امکان نقض حقوق بشر توسط افراد تحت صلاحیت آن دولت تا حد امکان کاهش یابد، زیرا در صورت واقع شدن نقض حقوق بشر پاسخگو می‌باشد.^{۲۰} چنانچه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در بند یک ماده دوم خود چنین مقرر می‌دارد: "هر کشور طرف این میثاق متعهد می‌شود که حقوق شناخته شده در این میثاق را درباره کلیه افراد واقع در قلمرو و تابع صلاحیتش بدون هیچ‌گونه تمایزی از حیث نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، خاستگاه ملی یا

تسجیل و اجرای تعهدات بین‌المللی حقوق بنیادین بشر در افغانستان/ ۱۳۳

اجتماعی، مالکیت، وضعیت تولد یا سایر وضعیت‌ها محترم شمرده و تضمین کند.^{۲۱} یکی از اسناد مهمی که در راستای قانونمند ساختن مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر ترتیب گردیده است، طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در مورد مسئولیت دولت به سبب اعمال بین‌المللی غیر قانونی است که در سال ۲۰۰۱ توسط مجمع عمومی به تصویب رسیده و طی قطعنامه ۵۸/۸۳ مؤرخ ۱۲ دسامبر ۲۰۰۲ از سوی مجمع عمومی به دولت‌های عضو سازمان پیشنهاد گردیده است. در این طرح التزام دولت‌ها به تضمین رعایت حقوق بشر و قواعد آمره مطابق (ماده ۴۰) با در نظر داشت دو ضابطه کلی مشخص گردیده است که یکی مربوط به وصف تعهد نقض شده است که باید ناشی از نقض اساسی منبعث از یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل عمومی باشد و دیگری اینکه نقض تعهد، از خصوصیت جدی و فاحش بودن برخوردار باشد.^{۲۲} هم‌چنان مطابق ماده ۴۱ این طرح دولت‌ها مکلف‌اند تا علاوه بر ایفای تعهدات خویش در قبال نقض حقوق بشر، نباید وضعیت حاصل از نقض تعهد در چارچوب مفاد ماده ۴۰ را قانونی شمرده و یا در حفظ آن وضعیت همکاری نمایند؛ بلکه بر عکس مکلف می‌باشند تا برای پایان بخشیدن به هرگونه نقض اساسی تعهد، همکاری نمایند.

قابل ذکر است که برخی هم معتقدند حتی در صورت عدم الحاق دولت‌ها به معاهدات مربوط به حقوق بشر نیز قواعد حقوق بشر برای دولت‌ها الزام‌آور است. زیرا بر اساس مفهوم جهان‌شمولی، افراد به جای این که صرف به‌عنوان اتباع دولت‌هایی که در حیطه صلاحیت انحصاری آن‌ها قرار دارند، بیش‌تر به‌عنوان اعضای جامعه جهانی تلقی می‌شوند. بنابراین در صورت نقض حقوق بشر، فشار بالای دولت ناقض حقوق بشر هم باید در سطوح پایین، از درون مردم و سازمان‌های غیر دولتی، صورت گیرد و هم از بالا و با اقدام جامعه جهانی و سازمان‌های مدافع حقوق بشر. فشار توسط جامعه جهانی یا سازمان‌های مدافع حقوق بشر سبب می‌شود که دولت‌ها نتوانند در پناه اصل حاکمیت ملی، از اجرای قواعد حقوق بشری مورد تأیید جامعه جهانی سر باز زنند. وجود یک سلسله الزامات موجود بین‌المللی که دولت‌ها را تا حدی به رعایت حقوق بشر وادار می‌کند، در ذات خود تأثیر گذار و رعایت و تضمین شان الزامی است. به‌خصوص آن دسته از تعهداتی که در مورد حقوق بشر دولت‌ها بنا بر اراده خود شان آنرا پذیرفته‌اند.^{۲۳}

۲۱. ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، پیشین.

۲۲. عامری، زهرا و دیگران، مجموعه اسناد حقوق بین‌الملل عمومی (خرسندی، تهران، چاپ اول ۱۳۹۵) ۳۲۲.

۲۳. دانش، محمداسحاق، تعهدات دولت‌ها در قبال حقوق بشر (فصلنامه علمی - پژوهشی گوهرشاد، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۵)

۲- تعهدات حقوق بنیادین بشری افغانستان در سطح بین المللی و ملی

کشور افغانستان در قبال ارزش‌های حقوق بشر و بخصوص حقوق بنیادین بشر در عرصه ملی و بین‌المللی تعهداتی را متقبل گردیده است که این تعهدات را می‌توان در عرصه بین‌المللی در چارچوب اسناد بین‌المللی مانند اعلامیه‌ها، کنوانسیون‌ها، معاهدات و عرف بین‌المللی و در عرصه ملی در قانون اساسی و قوانین عادی مشاهده نمود. فصل حاضر مروری است به همین تعهدات که ابتدا در عرصه بین‌المللی و سپس در عرصه ملی آن را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

۱- ۲ تعهدات حقوق بنیادین بشری افغانستان در سطح بین المللی

کشور افغانستان همانند سایر کشورهای جهان، با امضاء و تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی در زمینه‌های مختلف، تعهدات بین‌المللی حقوق بشری زیادی را متقبل گردیده، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی، کنوانسیون منع شکنجه و کلیه رفتارهای تبعیض آمیز و موهن غیرانسانی، کنوانسیون حقوق طفل و پروتوکل‌های اختیاری دوگانه آن، کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت را تصویب نموده است. علاوه بر امضای اسناد فوق‌الذکر، عضویت مهم‌ترین سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری و کارگزاری‌های تخصصی سازمان ملل متحد در عرصه حقوق بشر، مانند محکمه بین‌المللی جزایی (ICC) را نیز کسب نموده است. بر اساس ماده ۵ اساسنامه این محکمه، جنایات ضد بشریت و جنایات تجاوز توسط این محکمه در قلمرو کشورهای عضو مورد رسیدگی قرار می‌گیرند که در ماده ۷ این اساسنامه به تفصیل تسجیل یافته‌اند.^{۲۴} از میان تعهدات متذکره، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) را که در سال ۱۹۶۶ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسیده و در این نوشتار محور بحث ما می‌باشد، طور مختصر مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌دهیم.

چشم‌انداز کلی: در سال ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد از کمیسیون حقوق بشر وقت خواست تهیه پیش‌نویس میثاقی درباره حقوق بشر و راهکارهای اجرایی آن را در اولویت کارهای خود قرار دهد. کمیسیون مزبور در اجلاس پنجم خود بررسی میثاقی را با ماهیت حقوق مدنی و سیاسی مورد توجه قرار داد. کمیسیون پس از مباحث مختلف و مواجه شدن با اختلافات و

۲۴. ماده ۵ و ۷ اساسنامه محکمه بین‌المللی جزایی.

تسجيل و اجرای تعهدات بین‌المللی حقوق بنیادین بشر در افغانستان/۱۳۵

بلوک شرق و غرب (دیدگاه‌های سوسیالیسم و لیبرالیسم) سرانجام متن دو میثاق را به‌طور جداگانه (یکی در مورد حقوق مدنی و سیاسی و دیگری در مورد حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) تهیه نمود که مورد موافقت مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت و طی قطعنامه شماره A ۲۲۰۰ بتاريخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ به تصویب رسید تا این که مطابق ماده ۴۹ میثاق حاضر، پس از گذشت سه ماه از تودیع سی و پنجمین سند تصویب یا الحاق از سوی دولت‌ها نزد دبیرکل سازمان ملل، در ۲۳ مارچ ۱۹۷۶ لازم‌الاجراء گردید.^{۲۵} کشور افغانستان میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را یک‌جا با میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ۲۴ جنوری ۱۹۸۳ درست در بدترین شرایط اختناق و نقض سیستماتیک حقوق بشر در کشور امضاء و تصویب نموده است.^{۲۶}

میثاق در ذات خود از مهم‌ترین اسناد حقوق بشر است که حقوق و آزادی‌های بنیادین بشر یا حقوق معروف به نسل اول حقوق بشر را با سازوکارهای اجرایی آن به تصویر کشیده و قانونمند ساخته است. حقوق مندرج در این کنوانسیون بنام حقوق سلبی بشر نیز یاد می‌شوند که هیچ‌کس اعم از دولت و غیر دولت حق سلب کردن این حقوق را از اشخاص ندارند، اما بدون شک در تحقق کامل آن‌ها اقدامات مقتضی توسط دولت‌ها نیز لازم و ضروری پنداشته می‌شود تا دستیابی شهروندان را به این حقوق و آزادی‌ها ممکن و میسر گرداند. بر علاوه جنس تعهدات این میثاق عمدتاً تعهد به نتیجه شمرده می‌شوند نه تعهد به وسیله، زیرا در این نوع تعهدات دولت‌ها متعهد به ایفاء و تحقق حقوق و آزادی‌های بنیادین بشری تا سرحد حصول نتیجه هستند.^{۲۷}

محتوای میثاق: میثاق دارای یک مقدمه، ۵۳ ماده و شش بخش است که در ذیل به‌طور مختصر توضیح داده می‌شود: در مقدمه این میثاق، مطابق با اصول مندرج در منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر، اهمیت استفاده از حقوق مدنی و سیاسی، کرامت ذاتی و حقوق برابر و غیر قابل انتقال کلیه اعضای خانواده بشری، مورد تأکید قرار گرفته و دولت‌ها و سایر افراد مکلف شده‌اند تا در ترویج و رعایت حقوق و آزادی‌های بشر و حقوق شناخته شده به موجب این میثاق

۲۵. در حال حاضر ۱۶۹ کشور عضو سازمان ملل متحد این میثاق را تصویب و ۶ کشور دیگر امضاء نموده است. رجوع شود به سایت اینترنتی کمیشنری عالی سازمان ملل متحد: http://tbinternet.ohchr.org/_layouts/TreatyBodyExternal/Treaty.aspx?Coun=<tryID=5&Lang=EN>tryID=5&Lang=EN بازدید ۲۰۱۷/۱۱/۰۲.

۲۶. علاوه بر متن ذکر شده فوق، دو پروتوکول اختیاری بر میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز اضافه شده است که اولی طی قطعنامه شماره (۲۱) A ۲۲۰۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مؤرخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ در مورد رسیدگی به شکایات افراد قربانی نقض حقوق بشر و دومی آن ضمن قطعنامه ۴۴/۱۲۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد بتاريخ ۱۵ دسامبر ۱۹۸۹ در مورد الغای حکم اعدام به تصویب رسیده ولی کشور افغانستان به این پروتوکول‌ها الحاق نه‌نموده است.

۲۷. سید فاطمی، سید محمدقاری، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر نخست (شهردانش، تهران، ۱۳۹۳) ۵۴-۶۷.

اهتمام نمایند.

بخش اول آن حاوی یک ماده است که در آن حق تعیین سرنوشت به رسمیت شناخته شده و به موجب آن تمامی ملل حق تعیین وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را به طور آزادانه دارا می‌باشند.

بخش دوم شامل مواد ۲ الی ۵ می‌باشد که در آن‌ها مقررات کلی و عمومی درج گردیده و قسماً با سایر مندرجات بعدی میثاق مرتبط است. در بند ۱ ماده دوم بر تعهد دولت‌ها راجع به اجرای حقوق مندرج در میثاق بدون تبعیض بر تمامی افراد مقیم در قلمرو حاکمیت دولت‌ها تأکید شده است و به همین ترتیب در بند ۲ و ۳ ماده مذکور نیز تأکید بر اتخاذ تدابیر قانونگذاری و شیوه مؤثر فراهم شدن احقاق حق در جهت تضمین حقوق و آزادی‌های افراد به رسمیت شناخته شده است. در ماده ۳ بر تساوی حقوق زن و مرد تأکید نموده و در ماده ۴ نیز حق تعلیق (یا انحراف) دولت‌ها از بعضی از حقوق مندرج در میثاق، در شرایطی که خطر عمومی موجودیت ملت را تهدید می‌کند، به رسمیت شناخته شده است. البته در همین ماده میثاق است که برخی از حقوق و آزادی‌ها در هر نوع شرایط غیر قابل تعلیق یا تخطی معرفی شده‌اند. در باره اجرای مفاد همین ماده کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد بتاريخ ۱۸ آپریل ۲۰۱۱ دستورالعملی را نیز تصویب نموده است.^{۲۸} ماده پنجم نیز به منظور جلوگیری از ضایع شدن حقوق و آزادی‌های مندرج در میثاق، راه‌های تفسیر و اقداماتی را که در مغایرت با روح این میثاق باشد، مسدود نموده است.^{۲۹}

بخش سوم از ماده ۶ الی ۲۷ را در بر می‌گیرد که مهم‌ترین بخش میثاق است چون حقوق ماهوی شامل حقوق و آزادی‌های اساسی افراد و حقوق ناشی از اجرای عدالت را انعکاس داده است. حقوق بنیادین بشر که موضوع مورد بحث ما در این نوشتار را تشکیل می‌دهد، در همین بخش تذکر یافته‌اند. مهم‌ترین این حقوق عبارت‌اند از: (حق حیات ماده ۶، منع شکنجه ماده ۷، منع بردگی و کار اجباری ماده ۸، حق آزادی و امنیت شخصی ماده ۹ و ۱۱، حق حفظ کرامت انسانی ماده ۱۰، حق برابری ماده ۱۴، منع عطف بماسبق نمودن قانون ماده ۱۵، حق داشتن شخصیت حقوقی ماده ۱۶ و حق آزادی اندیشه، وجدان و مذهب ماده ۱۸). همین‌طور سایر حقوق مندرج این میثاق عبارت‌اند از: (حق عبور و مرور آزادانه و انتخاب مسکن، حق اعتراض در صورت اخراج از یک کشور، حق محترم شمردن زندگی و حریم خصوصی، حق آزادی بیان، منع تبلیغ

۲۸. عباسی، بیژن، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین (دادگستر، تهران، چاپ دوم ۱۳۹۵) ۷۵.

۲۹. مواد ۱-۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، پیشین.

تسجیل و اجرای تعهدات بین‌المللی حقوق بنیادین بشر در افغانستان/ ۱۳۷

برای جنگ و تبعیض نژادی و مذهبی، حق تشکیل اجتماعات و اتحادیه‌های صنفی، حمایت از خانواده و حق ازدواج به رضایت، حق برخورداری کودکان از حمایت خانواده و دولت، حق شرکت در اداره امور عمومی و انتخابات، حق دستیابی به مشاغل عمومی، تساوی افراد در برابر قانون و حمایت از اقلیت‌های نژادی، مذهبی و زبانی در برخورداری از فرهنگ، دین و زبان شان) که در لابلای مواد مختلف تسجیل یافته اند.^{۳۰}

بخش چهارم از ماده ۲۸ تا ۴۵ را شامل می‌شود، عمدتاً مقرراتی را درباره (کمیته حقوق بشر)^{۳۱} که به‌عنوان نهاد نظارتی اجرای مقررات مندرج در میثاق مذکور در نظر گرفته شده و هم چگونگی تشکیل، انجام وظایف، نحوه پذیرش صلاحیت آن توسط دولت‌ها، مکلفیت گزارش‌دهی کشورهای عضو به کمیته و سایر موضوعات مرتبط به آن را احتوا می‌کند. کمیته حقوق بشر مهم‌ترین رکن نظارتی میثاق است که با شیوه‌ها و عملکردهای متعدد و متفاوت خود بر اجرای مقررات میثاق نظارت می‌نماید که می‌توان گفت تشکیل آن گام مهمی در راستای نظارت بر اجرای حقوق مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تلقی می‌شود.

بخش پنجم، میثاق شامل دو ماده ۴۶ و ۴۷ است که بازهم در آن دو مقرر کلی درباره تفسیر مقررات میثاق را بیان نموده است. و آن این‌که تفسیر مقررات میثاق نباید به منشور ملل متحد و اساسنامه‌های مؤسسات تخصصی آن و هم به حق ملل در تمتع و استفاده کامل و آزادانه از منابع طبیعی آن‌ها لطمه وارد آورد.

بخش ششم آخرین بخش میثاق است که طی مواد ۴۸ تا ۵۳ مقررات نهایی را درباره شیوه امضاء و تصویب، لازم‌الاجرا شدن، شیوه اصلاح مقررات میثاق و امثال آن در خود جا داده است.^{۳۲} باید اذعان نمود که با در نظر داشت مواد مذکور در بخش‌های شش‌گانه فوق، بخصوص بخش سوم، میثاق تلاش نموده است تا به نوعی مهم‌ترین حقوق و آزادی‌های اساسی بشر را

۳۰. همان، مواد ۶-۲۷.

۳۱. به‌موجب ماده ۲۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کمیته مرکب از ۱۸ عضو از اتباع دولتهای عضو میثاق است که دارای صلاحیت‌های اخلاقی و حقوقی عالی باشند. مدت کار اعضای کمیته چهار سال بوده و انتخاب مجدد آنها نیز بلامانع است. کمیته به گزارش‌های دولت‌های عضو رسیدگی می‌کند که، طبق ماده ۴۰ میثاق، موظف به ارائه این گزارش‌ها می‌باشند. جلسات مربوط به رسیدگی به این گزارش‌ها عمدتاً با حضور نمایندگان خود دولت گزارش‌دهنده و با طرح سؤالات مختلف از سوی کمیته انجام می‌شود و سرانجام کمیته نتیجه‌گیری خود را همراه با نظارت اضافی هر یک از اعضا در گزارش سالانه‌اش به اطلاع دولتهای عضو و مجمع عمومی سازمان ملل می‌رساند. علاوه بر این، برای دولت‌هایی که صلاحیت توافقی این کمیته را رسماً بپذیرند، کمیته حق رسیدگی به شکایت‌های دولت‌های عضو علیه یکدیگر را نیز دارا می‌باشد. البته پذیرش چنین صلاحیتی اختیاری بوده و دولت‌ها، در صورت تمایل، طی اعلامیه جداگانه باید این صلاحیت کمیته را به رسمیت شناخته باشند تا کمیته مزبور حق رسیدگی به شکایت‌های دولت‌های عضو را داشته باشد.

۳۲. مواد ۲۸-۵۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، پیشین.

به رسمیت بشناسد و با توجه به ماهیت الزام آور بودن این سند و قلمرو اجرایی آن که در سطح بین المللی می باشد، گامی مهم در راستای ترویج و حمایت از حقوق بشر مدرن بردارد.^{۳۳} حالات تعلیق، شرایط و استثنائات: بر اساس بند اول ماده ۴ و بند ۳ ماده ۱۸ در حالات اضطرار تعدادی از حقوق مندرج در این میثاق به حالت تعلیق در می آیند. چنانچه بند اول ماده ۴ اشعار می دارد:

"در وضعیت های اضطراری عمومی که موجودیت ملت را تهدید کند و وجود آن رسماً اعلام شود کشورهای طرف این میثاق می توانند تدابیری بر خلاف تعهدات خود در این میثاق، به میزانی که اقتضای دقیق وضعیت است، اتخاذ نمایند؛ مشروط بر این که تدابیر مزبور با سایر تعهداتی که طبق حقوق بین الملل به عهده دارند، مغایرت نداشته باشد و منجر به تبعیضی منحصر بر اساس نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب و خاستگاه اجتماعی نشود."^{۳۴}

هم چنان بند سوم ماده ۱۸ در مورد حالات تعلیق آزادی ابراز مذهب یا معتقدات چنین ابراز می دارد:

"آزادی ابراز مذهب یا معتقدات را نمی توان تابع محدودیت هایی نمود مگر آنچه منحصراً به موجب قانون پیش بینی شده و برای حمایت از امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی های بنیادی دیگران ضرورت داشته باشد."^{۳۵}

با توجه به متن مواد فوق می بایست شرایط خاصی بوجود آمده باشد تا یک دولت بتواند این حقوق را به حالت تعلیق بیاورد. به طور مثال، ملت بطور عموم مورد تهدید قرار گرفته باشد؛ حالت اضطرار باید رسماً توسط دولت اعلام شود؛ تعلیق باید متناسب به ضرورت حالت اضطرار باشد؛ حالت تعلیق به مجرد ختم حالت اضطرار باید پایان یابد. علاوه بر شرایط متذکره فوق، بند ۳ ماده ۴ نیز مکلفیت هایی را برای کشور اعلام کننده حالت تعلیق چنین تعیین نموده است:

"کشورهای طرف این میثاق که از حق تعلیق استفاده کنند مکلف اند بلافاصله سایر دولت های طرف میثاق را توسط دبیرکل سازمان ملل متحد از مقرراتی که تعلیق کرده اند و جهاتی که موجب تعلیق شده است، مطلع نمایند و در تاریخی که به این تعلیق خاتمه می دهند، مراتب را بوسیله

۳۳. به نظر می رسد که دو حق مهم (حق مالکیت و حق پناهندگی) که در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ که در ضمن مواد ۱۴ و ۱۷ به رسمیت شناخته شده بودند در میثاق حاضر تسجیل نیافته اند. علت آن بوده است که اتحاد جماهیر شوروی وقت بر اساس ساختاری که داشت در خصوص تعریف و محدوده مالکیت و انواع پناهندگی با بلوک غرب به توافق نرسید و در نهایت این دو حق مسکوت گذاشته شد.

۳۴. بند ۱ ماده ۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، پیشین.

۳۵. همان، بند ۳ ماده ۱۸.

تسجيل و اجرای تعهدات بین‌المللی حقوق بنیادین بشر در افغانستان/۱۳۹

اعلامیه جدیدی از همان مجرا اطلاع دهند.^{۳۶}

در مورد استثنائات تعلیق حقوق بنیادین باید متذکر شد که مطابق بند دوم ماده ۴ میثاق، احکام مندرج در مواد ۶، ۷، ۸ (بندهای ۱ و ۲)، ۱۱، ۱۵، ۱۶ و ۱۸ این میثاق در هیچ حالتی قابل تعلیق نه می‌باشند.^{۳۷} با توجه به مفاد مواد متذکره این حقوق عبارت اند از: (حق حیات، منع ژنوساید یا نسل‌کشی، حق درخواست عفو و تخفیف مجازات اعدام، منع صدور حکم اعدام اشخاص زیر سن ۱۸ و زنان باردار، مطابق ماده ۶؛ منع شکنجه و مجازات یا رفتارهای بی‌رحمانه، غیر انسانی و ترذیلی، منع قرار دادن یک شخص تحت هر نوع آزمایش‌های صحتی بدون رضایت او،^{۳۸} مطابق ماده ۷؛ منع بردگی و خرید و فروش برده، منع غلام‌قراردادن افراد، مطابق ماده ۸؛ منع سلب آزادی افراد بخاطر نداشتن قدرت اجرای تعهد قراردادی، مطابق ماده ۱۱؛ عدم محکومیت و مجازات اشخاص مطابق قوانینی که در وقت ارتکاب جرم نافذ نبوده و هم حق استفاده از مجازات خفیف‌تر بر اساس قانون پس از ارتکاب جرم، مطابق ماده ۱۵؛ حق داشتن شخصیت حقوقی افراد، مطابق ماده ۱۶؛ حق آزادی اندیشه، حق آزادی وجدان،^{۳۹} حق آزادی مذهب، حق آزادی اجرای اعمال مذهبی به‌طور خصوصی و علنی، حق آزادی ارائه تعلیم و تعلّم دینی و مذهبی، حق آزادی والدین و سرپرستان قانونی اطفال در تأمین آموزش‌های مذهبی و اخلاقی مطابق معتقدات خودشان، مطابق ماده ۱۸).^{۴۰}

۲-۲ تعهدات حقوق بشری افغانستان در سطح ملی

الف- تعهدات حقوق بشری افغانستان در قانون اساسی: یکی از راه‌هایی که تا اکنون دولت‌ها در راستای حمایت از حقوق بشر در آن گام‌های مؤثری برداشته اند، گنجاندن حقوق بشری، بخصوص حقوق بنیادین بشر، در قوانین اساسی آن‌ها است. اقدامی که سبب ترغیب هرچه بیشتر نظام‌های سیاسی در امور حکومت‌داری خوب در سایه مراعات نمودن مقررات بین‌المللی و حقوق بشر می‌شود.^{۴۱} در افغانستان بعد از شکست طالبان و تشکیل حکومت جدید در سال

۳۶. همان، بند ۳ ماده ۴.

۳۷. همان، مواد ۶، ۷، ۸ (بندهای ۱ و ۲)، ۱۱، ۱۵، ۱۶ و ۱۸.

۳۸. مانند آزمایش‌های بیوتکنولوژیکی، پیوند اعضا و امثال آن...

۳۹. به معنی یافتن، یافتن مطلوب، نفس و قوای باطنی آن، قوه باطنی که خوب و بد اعمال بوسیله آن ادراک می‌شود. عمید، حسن فرهنگ فارسی جیبی (تهران، راه رشد، چاپ اول ۱۳۸۹) ۱۰۴۷.

۴۰. ظاهراً در میان بند دوم ماده ۴ و بند سوم ماده ۱۸ تعارض بمشاهده می‌رسد. چون اولی مفاد ماده ۱۸ را از تعلیق استثناء می‌کند، در حالیکه بند سوم ماده ۱۸ تعلیق آزادی ابراز مذهب یا معتقدات را برسمیت می‌شناسد.

۴۱. دانش، محمداسحاق، تعهدات دولت‌ها در قبال حقوق بشر، پیشین، ۷۶.

۱۳۸۲ قانون اساسی کنونی به تصویب رسید که در مقایسه با قوانین اساسی قبلی افغانستان و حتی قوانین اساسی بعضی از کشورهای منطقه و جهان، در آن به ارزش‌های حقوق بشری، بخصوص حقوق بنیادین بشر، توجه خاصی صورت گرفته است. این قانون اساسی، به علت اینکه در فضای آزاد سیاسی و تحت نظارت سازمان‌های مردم‌نهاد غیر دولتی داخلی و خارجی توأم با تفاهم و هماهنگی با اندیشمندان و متفکران و با مشاوره صاحب‌نظران تدوین گردیده، دارای ویژگی‌های عالی می‌باشد. از جمله این که حقوق بشر در آن از جایگاه عالی و ارزش بسیار رفیعی برخوردار است.^{۴۲} در ماده ۶ دولت خود را به حفظ کرامت انسانی و حمایت از حقوق بشر مکلف نموده و چنین تصریح می‌دارد:

"دولت به ایجاد يك جامعه مرفه و مترقی براساس عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، حمایت حقوق بشر، تحقق دموکراسی، تأمین وحدت ملی، برابری بین همه اقوام و قبایل و انکشاف متوازن در همه مناطق کشور مکلف می‌باشد."^{۴۳}

علاوه بر آن قانون اساسی در ماده ۷ خویش رعایت اسناد اساسی حقوق بشر را تسجیل نموده چنین اشعار می‌دارد:

"دولت منشور ملل متحد، معاهدات بین‌الدول، میثاق‌های بین‌المللی که افغانستان به آن ملحق شده است و اعلامیه جهانی حقوق بشر را رعایت می‌کند."^{۴۴}

هم‌چنان ماده ۵۸ این قانون اساسی ایجاد کمیسیون مستقل حقوق بشر را پیش‌بینی نموده است که از همان آغاز کار دولت موقت، تشکیل گردیده است. قانون اساسی افغانستان در کنار تعیین مکلفیت دولت برای رعایت حقوق بشر و اسناد بین‌المللی آن، ضمانت‌های اجرایی مؤثری را هم برای تطبیق و انکشاف آنها در نظر گرفته است. از آن جمله یکی هم تعدیل نشدن حقوق و آزادی‌های اساسی به ضرر اتباع است که در پاراگراف دوم ماده ۱۴۹ قانون اساسی چنین بیان شده است: "تعدیل حقوق اساسی اتباع صرف به منظور بهبود حقوق آنان مجاز می‌باشد." که این امر خود نشان دهنده ارج‌گذاری و اهمیت دادن مقنن به این ارزش‌ها در میان سایر مندرجات قانون اساسی ۱۳۸۲ می‌باشد و هم این که امکان عقب‌گردهای گذشته‌ای که در کشور افغانستان معمول بوده و هر نظام و زمام‌داری به سهم و برداشت خود شان، آزادی‌های افراد را محدود و یا از

۴۲. ابراهیمی، محمدعلی، جایگاه حقوق بشر در نظامی حقوقی افغانستان، پیشین، ۲۵-۲۶.

۴۳. ماده ۶ قانون اساسی، پیشین.

۴۴. همان، ماده ۷.

تسجيل و اجرای تعهدات بین‌المللی حقوق بنیادین بشر در افغانستان/ ۱۴۱

بین می‌بردند، دیگر مسدود گردیده است.^{۴۵} بنابراین، با بررسی مهم‌ترین شاخص‌های یک نظام مردمی، این امر به اثبات می‌رسد که قانون اساسی کنونی همه ابعاد حقوق بشری را، طوری که لازم است، رعایت نموده است.^{۴۶} هر چند در قسمت تطبیق و رعایت عملی این ارزش‌ها کشور افغانستان بیشتر از هر وقت دیگری دچار مشکلات عملی بوده و موارد نقض حقوق بشر در عرصه‌های مختلف به مشاهده می‌رسد.^{۴۷} ولی درج این ارزش‌های مهم حقوق بشری در لابلای قوانین و بخصوص قانون اساسی نکته عطفی در تاریخ حقوق بشر در افغانستان بحساب می‌آید که مسئولیت دولت را در قبال حقوق بنیادین بشر به نمایش می‌گذارد.^{۴۸} لازم به یادآوری است که قانون اساسی افغانستان مهم‌ترین حقوق بنیادین بشر را در ضمن فصل مستقلی بنام (حقوق اساسی و وجایب اتباع) به رسمیت شناخته و در لابلای مواد مختلف درج نموده است.^{۴۹} این حقوق را نیز می‌توان، ذیل دو عنوان مستقل حقوق و آزادی‌های عمومی و حقوق ناشی از اجرای عدالت مورد مطالعه قرار داد.

حقوق و آزادی‌های عمومی: آزادی‌ها که بخش اساسی حقوق بنیادین بشری را تشکیل می‌دهند، مبین جایگاه رفیع انسان (منحیث اشرف مخلوقات) بوده و مشمول نسل اول حقوق بشر می‌شوند که این حقوق و آزادی‌ها قابل انحصار و محدودیت نبوده، با مرور زمان و انکشافات جامعه، بیشتر می‌شوند.^{۵۰} اکثریت این حقوق در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های دوگانه آن، به خصوص در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب سال ۱۹۶۶ سازمان ملل متحد، تسجیل یافته‌اند. در ذیل عمده‌ترین این آزادی‌ها (آزادی دین و مذهب، حق حیات، آزادی و کرامت انسانی، آزادی بیان و مطبوعات، آزادی کار و انتخاب شغل و پیشه و منع تبعیض و تساوی اتباع در برابر قانون) که در قانون اساسی کنونی افغانستان درج گردیده‌اند، با کمی تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرند. از مصادیق حقوق و آزادی‌های عمومی یکی هم آزادی دین و مذهب است که از جمله حقوق بنیادین بشر به‌شمار می‌آید، چنانچه در ماده ۲ قانون اساسی افغانستان چنین تصریح گردیده است:

۴۵. همان، مواد ۷، ۶، ۵۸ و ۱۴۹.

۴۶. منوچهری، عباس و مزاری، صفورا، سنجش نظری قانون اساسی جدید افغانستان با دموکراسی (فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، دوره ۳۹، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸) ۲۱ و ۲۲.

۴۷. رسولی، محمد اشرف، تحلیل و نقد قانون اساسی افغانستان (سعید، کابل، چاپ دوم، ۱۳۹۱) ۱۶۴.

۴۸. سروری، عبدالقادر، تاریخچه حقوق بشر (کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، چاپ دوم، کابل ۱۳۹۴) ۳۰.

۴۹. فصل دوم قانون اساسی افغانستان که جمعاً ۳۸ ماده (۲۲ الی ۵۹) را شامل می‌شود.

۵۰. سعودی، نجمان، حقوق و آزادی‌های اشخاص در قانون اساسی افغانستان در پرتو اسناد بین‌المللی (سعید، کابل، ۱۳۹۴) ۷.

«دین دولت جمهوری اسلامی افغانستان، دین مقدس اسلام است. پیروان سایر ادیان در پیروی از دین و اجرای مراسم دینی شان در حدود احکام قانون آزاد می‌باشند.»^{۵۱} باید اذعان نمود که موضوع آزادی دین و مذهب یک عمل قلبی و اساساً غیر قابل کنترل و اجبار می‌باشد که در قرآن کریم نیز طی آیات متعددی تصریح گردیده است.^{۵۲} در کشور افغانستان عده محدودی از پیروان سایر ادیان مانند اهل هند و سک و صرف یک نفر یهودی زندگی می‌نماید. اکثریت قریب به اتفاق جمعیت کشور را مسلمانان تشکیل می‌دهند که بیشترین آن‌ها - به ترتیب - پیرو مذاهب تسنن و تشیع می‌باشند. قانون اساسی کنونی افغانستان آزادی احوال شخصیه را برای اهل تشیع برسمیت شناخته و طی ماده ۱۳۱ چنین اشعار می‌دارد:

"محاکم برای اهل تشیع، در قضایای مربوط به احوال شخصیه، احکام مذهب تشیع را مطابق به احکام قانون تطبیق می‌نمایند. در سایر دعاوی نیز اگر در این قانون اساسی و قوانین دیگر حکمی موجود نباشد، محاکم قضیه را مطابق به احکام این مذهب حل و فصل می‌نمایند."^{۵۳} یکی دیگر از حقوق بنیادین بشر حق حیات و حفظ کرامت انسانی^{۵۴} است که در قانون اساسی کنونی به شیوه‌های مختلف بار بار مورد تأکید قرار گرفته است. برسمیت شناختن کرامت و منزلت انسانی اساسی‌ترین اصلی است که سایر حقوق را صرف در موجودیت آن می‌توان برای انسان در نظر گرفت. حقوق بشر به مفهوم واقعی آن بر این اصل استوار است که انسان را بدون در نظر داشت تعلقات دیگر، صرف با صفت انسان بودن وی، دارای کرامت ذاتی بدانیم.^{۵۵} این امور در واقع از عمده‌ترین مواردی است که نظام‌های مردمی مبتنی بر قانون را از جوامع بدوی و رژیم‌های اقتدارگرا متمایز می‌سازد. خداوند ج در قرآن کریم انسان‌ها را قطع نظر از ارزش‌های مکتسبه، صاحب کرامت انسانی دانسته و چنین فرموده است: "ولقد کَرَّمنا بنی آدم" یعنی ما فرزندان آدم (انسان) را کرامت دادیم.^{۵۶} در ماده ۲۳ این قانون اساسی به شیوه خیلی عالی زندگی موهبت الهی و حق طبیعی انسان معرفی گردیده که هیچ کس بدون مجوز قانونی از آن محروم نمی‌گردد. چون در کشور افغانستان کیفر اعدام در برابر بعضی از جرایم هنوز موجود می‌باشد، قید مجوز قانونی

۵۱. ماده ۲ قانون اساسی افغانستان، پیشین.

۵۲. برای معلومات بیشتر رک: سوره بقره (۲/۲۵۶)، سوره کهف (۱۸/۲۹)، سوره قصص (۱۸/۵۶).

۵۳. مواد ۲ و ۱۳۱ قانون اساسی سال ۱۳۸۲ افغانستان که در مطابقت با مفاد اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب ۵ اگست ۱۹۹۰ مطابق ۱۵ اسد ۱۳۶۹ هـ ش وزرای خارجه کشورهای اسلامی قاهره، بخصوص مواد ۱، ۴، ۱۱ و ۲۰، نیز قرار دارند.

۵۴. مواد ۴-۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر.

۵۵. دانش، محمد سرور، حقوق اساسی افغانستان (ابن سینا، کابل ۱۳۸۹) ۳۴۳.

۵۶. آیه ۷۰ سوره بنی اسرائیل قرآن کریم.

تسجیل و اجرای تعهدات بین‌المللی حقوق بنیادین بشر در افغانستان/۱۴۳

دران به مشاهده می‌رسد. در ماده ششم قانون اساسی کنونی دولت برای ایجاد جامعه مرفه بر اساس عدالت اجتماعی و حفظ کرامت انسانی مکلف گردیده و هم طی ماده ۲۴ آزادی را حق طبیعی انسان معرفی نموده که جز آزادی دیگران و مصالح عامه (آن‌هم بر اساس قانون) حدودی ندارد و هم آزادی و کرامت انسان را از تعرض مصون دانسته و اکیداً دولت را به احترام و حمایت از آزادی و کرامت انسان مکلف می‌سازد. علاوه‌تاً در ماده ۲۹ نیز جزای مخالف کرامت انسانی را برای مجرمان منع قرار می‌دهد.^{۵۷}

قانون اساسی جدید در کنار سایر آزادی‌ها به آزادی بیان و مطبوعات که در واقع کنترل‌کننده غیر مستقیم اعمال حکومت می‌باشند و در رژیم‌های مبتنی بر اراده مردم نقش خیلی بزرگی را در راستای تحقق آرمان‌های مردم و جلوگیری از ائتلاف حق ایشان ایفا می‌نمایند، نیز توجه جدی مبذول داشته است. این آزادی‌ها طی ماده ۳۴ قانون اساسی کنونی به صورت خیلی شیوا و کامل تصریح گردیده است که مطابق به آن هر افغان می‌تواند، با رعایت احکام مندرج قانون اساسی، فکر و نظر خود را با استفاده از وسایل مختلف گفتاری، نوشتاری و تصویری ابراز نماید و بدون ارائه قبلی آن به مقامات دولتی، آنرا نشر نماید. مسأله مهم دیگری که به آزادی انسان‌ها ارتباط می‌گیرد، همانا آزادی کار و یا منع کار اجباری است که در مواد ۴۸ و ۴۹ قانون اساسی ۱۳۸۲ به آن پرداخته شده است. طی ماده ۴۸ قانون اساسی کنونی کار حق هر افغان معرفی گردیده و هر شخص آزاد است تا برای خود شغل و یا حرفه‌ای را انتخاب نماید. هم چنان طی ماده ۴۹ کار اجباری منع گردیده است، چون عدم اجبار در کار از جمله حقوق بنیادی بشری بحساب می‌آید. **منع تحمیل کار بر اطفال:** نکته مهم دیگر حقوق بشر است که در ماده ۴۹ قانون اساسی افغانستان به چشم می‌خورد. در اینجا به مشاهده می‌رسد که مقنن صرف به عدم تحمیل کار بر اطفال اکتفا نموده و آن را کاملاً منع نکرده است. دلیل آن این است که چون در کشور افغانستان بالآخر جنگ‌های متوالی و سایر عوامل، تعداد زیادی از اطفال نان آوران فامیل شان می‌باشند، بنابراین نوعی تسامح در این امر به مشاهده می‌رسد.^{۵۸}

منع تبعیض یکی دیگر از حقوق بنیادین بشر است که بدون شک عدالت بدون منع تبعیض و تساوی اتباع تأمین شده نمی‌تواند. این امر یکی از موضوعات مهم و اساسی و چالش بزرگ بشریت در دراثنای تاریخ بوده که بعد از مبارزات طولانی به مرور زمان جای خود را در قوانین

۵۷. ماده ۲۳، ۲۴ و ۲۹ قانون اساسی سال ۱۳۸۲ افغانستان.

۵۸. همان، مواد ۴۸ و ۴۹.

اساسی کشورها باز نموده است. قانون اساسی کنونی افغانستان طی مواد متعددی تساوی اتباع را در همه امور به طور کامل برسمیت شناخته و هرنوع تبعیض منفی را منع قرار داده است. ماده ۴ قانون اساسی حاوی مفهوم منع تبعیض جمعی بوده و اسمای اکثریت اقوام را بعنوان ملت افغانستان به تصویر کشیده است که بر تمام آن‌ها کلمه افغان اطلاق می‌گردد. هم چنان ماده ۶ قانون اساسی برابری در میان اقوام افغانستان را در کنار سایر ارزش‌های اساسی برای ایجاد جامعه مرفه و مبتنی بر عدالت اجتماعی از مکلفیت‌های دولت شمرده است. در ماده ۲۲ هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان را ممنوع نموده و اتباع کشور را اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی دانسته است.^{۵۹} ازینکه بیشترین خطر اعمال تبعیض از لحاظ قومیتی و جنسیتی میان افراد و اقوام در هنگام استخدام وجود دارد، طی بند دوم ماده ۵۰ تصریح میدارد که اتباع افغانستان بر اساس اهلیت و بدون هیچگونه تبعیض و به موجب احکام قانون استخدام می‌شوند.^{۶۰}

قانون اساسی سال ۱۳۸۲ با در نظر داشت وضعیت اجتماعی افغانستان برای بعضی گروه‌های آسیب‌پذیر مانند زنان، معیوبین و معلولین و کوچی‌ها تبعیض مثبت را نیز برسمیت شناخته است. چون گروه‌های مذکور بدون در نظر گرفتن چنین امتیازاتی بطور طبیعی و عادی نمی‌توانند جایگاه شان را مانند سایرین احراز نموده و به حقوق حقه شان دست یابند. چنانچه تجارب تاریخی نشان‌دهنده آن است که در گذشته این گروه‌ها نتوانسته‌اند، طوری که شایسته آنهاست، در مجالس پارلمان راه یابند. طی ماده ۵۳ قانون اساسی دولت برای ارائه کمک و خدمات استثنایی برای این گروه‌ها متعهد شده است. هم چنان در ماده ۸۳ قانون اساسی از هر ولایت طور اوسط عضویت دو نفر وکیل زن در مجلس نمایندگان تسجیل یافته است.^{۶۱} در مجلس سنا نیز این امتیاز رعایت گردیده و طی بند سوم ماده ۸۴ قانون اساسی، جایی که تعیین یک‌ثلث باقی‌مانده اعضای مجلس سنا از صلاحیت‌های رئیس جمهور می‌باشد، موصوف باید دو کرسی را برای نمایندگان معلولان و معیوبان و دو کرسی را برای نمایندگان کوچی‌ها اختصاص داده و پنجاه درصد این کرسی‌ها را به زنان اختصاص دهد.^{۶۲}

۵۹. همان، مواد ۴، ۶ و ۲۲.

۶۰. همان، مواد ۴، ۶، ۲۲ و ۵۰.

۶۱. بر اساس این امتیاز از میان کرسی‌های شورای هر ولایت ابتدا دو کرسی به کاندیداهای زن که بیشترین آرا را در میان سایر کاندیداهای زن کسب نموده باشند اختصاص یافته سپس کرسی‌های باقیمانده با بلندترین آرای بدست آمده توسط کاندیداهای مرد احراز می‌گردد.

۶۲. مواد ۵۳، ۸۳ و ۸۴ قانون اساسی سال ۱۳۸۲ افغانستان.

تسجیل و اجرای تعهدات بین‌المللی حقوق بنیادین بشر در افغانستان/ ۱۴۵

حقوق ناشی از اجرای عدالت: مهم‌ترین موقع خطر سلب و یا محدودیت حقوق و آزادی‌های افراد هنگامی است که ایشان از حالت عادی خارج شده و مظنون، متهم یا محکوم قرار گیرند. چون در چنین حالات انسان در برابر کسانی قرار می‌گیرد که در حالت عادی نمی‌توانستند به وی آسیبی رسانده و حقوق و آزادی‌های او را پامال کنند. در هر یکی از موقعیت‌های فوق، به ترتیب انسان‌های در بند زمانی که تحت سیطره و تسلط پلیس، خارنوال و قاضی قرار می‌گیرند، خطر و تهدید بیشتر متوجه ایشان می‌شود. تاریخ گواه آن است که اکثراً در چنین حالاتی است که به حقوق و آزادی‌های افراد تجاوز صورت گرفته است. عده از این حقوق از جمله حقوق بنیادین یا همان هسته سخت حقوق بشر^{۶۳} به‌شمار رفته که بر همین اساس در تعداد زیادی از کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی این حقوق درج شده است.^{۶۴} باید اذعان نمود که در واقع تمام مراحل سه‌گانه تعقیب، تحقیق و محاکمه با هم رابطه تنگاتنگ داشته و به‌طور کلی نمی‌توان این‌ها را از هم جدا تصور کرد، لذا موازین محاکمه عادلانه باید در تمام مراحل لحاظ گردد. همان‌طوری که یک مظنون در نزد پلیس از حقوق و آزادی‌های انسانی خود برخوردار بوده و باید کرامت انسانی وی رعایت شود، در مرحله تحقیق و محاکمه نیز چنین است. بنابراین مواد مرتبط قانون اساسی در این رابطه بعضاً بطور عام و یا با ذکر هر سه مرحله تسجیل یافته و هر سه مرحله را شامل می‌شوند. پس گفته می‌توانیم که مواد ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۱ و ۳۲ قانون اساسی افغانستان از جمله مواد مشترک برای هر سه مرحله فوق قابل رعایت می‌باشد.^{۶۵} از آن جمله یکی هم مرحله تعقیب است که در واقع اولین گام در جهت محدودیت و یا سلب آزادی افراد بحساب می‌آید. چون شخص مظنون قرار گرفته است، پس ایجاب می‌نماید تا مطابق ماده ۱۳۴ قانون اساسی که وظیفه کشف جرایم را به پلیس تفویض نموده است، تحت تعقیب پلیس مسئول قرار گیرد. در این صورت با موجودیت شواهد و قراین شخص مظنون توسط پلیس توقیف شده و مورد بازجویی ابتدایی قرار می‌گیرد. بنابر این چون این مرحله نقطه آغاز خطر تحدید و یا سلب حقوق و آزادی شخص می‌باشد، پس ایجاب می‌نماید تا رعایت حقوق و آزادی‌های بشری وی نیز از همین مرحله آغاز گردد. بر اساس ماده ۳۸ قانون اساسی، پلیس باید مجوز توقیف و بازجویی فرد مظنون را از محکمه با صلاحیت حاصل نموده باشد تا بتواند به چنین اقدامی دست بزند. در غیر آن حق ندارد تا آزادی افراد را که از حقوق بنیادین آن‌هاست از ایشان سلب نماید. از سوی دیگر بر اساس

۶۳. ذاکریان، مهدی، ایران و قواعد بنیادین حقوق بشر (پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۵، شماره ۳، تابستان ۱۳۸۹) ۱۱۹.

۶۴. مواد ۵ تا ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و مواد ۶ تا ۱۱، ۱۴، ۱۵ و ۱۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.

۶۵. مواد ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۱ و ۳۲ قانون اساسی سال ۱۳۸۲ افغانستان.

ماده ۲۵ قانون اساسی برائت‌الذمه به‌عنوان حالت اصلی باید رعایت گردیده و شخص بری‌الذمه تلقی گردد. علاوه بر این باید مطابق ماده ۶ و سایر مواد مرتبط که طی عنوان حق حیات، آزادی و کرامت انسانی تذکر داده شد، در هنگام توقیف حیثیت و کرامت انسانی شخص مورد تعرض و تجاوز افراد پلیس قرار نگرفته و جز خود شخص کس دیگری از نزدیکان و یا همکاران و دوستان وی مورد توقیف و بازجویی قرار نگیرد. ماده ۲۶ قانون اساسی تصریح می‌نماید که جرم یک عمل شخصی است و به شخص دیگری سرایت نمی‌کند. هم‌چنان بر اساس فقره دوم ماده ۳۱ قانون اساسی شخص توقیف شده حق دارد از اتهام وارده علیه خودش با خیر ساخته شود.^{۶۶} مرحله دیگر دوران تحقیق است که در این مرحله نیز همانند دوران توقیف و بازجویی باید حقوق و آزادی‌های فرد متهم به‌عنوان یک انسان در نظر گرفته شود. بر اساس ماده ۱۳۴ قانون اساسی تحقیق از متهم وظیفهٔ خرنوال است. کوچکترین اشتباه توسط خرنوال از قبیل نادیده گرفتن حقوق و آزادی‌های یک شخص بالای مرحلهٔ بعدی یا محاکمهٔ فرد متهم تأثیر گذار خواهد بود. بعضاً دیده می‌شود که افراد در هنگام استنطاق بخاطر کشف حقایق مورد آزار و اذیت جسمی و روحی که مخالف حیثیت و کرامت انسانی است قرار می‌گیرند. این امر بر خلاف همه موازین بشری بوده و ماده ۲۹ قانون اساسی کنونی افغانستان تصریح می‌نماید که هیچ شخصی نمی‌تواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگری که تحت تعقیب گرفتاری یا توقیف است، به تعذیب او اقدام نماید. ماده ۳۰ قانون اساسی ۱۳۸۲ با قاطعیت تمام اقرار و شهادتی را که از متهم یا شخص دیگری به‌وسیلهٔ اکراه به‌دست آورده شود، فاقد اعتبار دانسته و اقرار به جرم را اعتراف متهم با رضایت کامل و در حالت صحت عقل، در حضور محکمهٔ باصلاحیت معرفی نموده است. پس دیده می‌شود که اعمال هر نوع شکنجه، جبر و اکراه بخاطر گرفتن اقرار از متهم جایز نبوده در واقع تجاوز به حقوق، حیثیت و کرامت انسانی و جرم علیه یک انسان دیگر شمرده می‌شود. بر اساس ماده ۳۱ قانون اساسی ۱۳۸۲ متهم حق دارد تا برای دفع اتهام و یا برای اثبات حق خود وکیل مدافع انتخاب کند. در قضایای جنایی اگر متهم شخص بی‌بضاعت بوده و توانمندی انتخاب وکیل را نداشته باشد، دولت مکلف است تا برای وی وکیل تعیین نماید تا حق وی ضایع نگردد. علاوهً محرمیت مکالمات، مراسلات و مخبرات میان متهم و وکیل مدافع وی از هر نوع تعرض مصئون می‌باشد.^{۶۷} مرحله مهم دیگری که خطر سلب حقوق و آزادی‌های افراد و ضایع شدن حق ایشان وجود

۶۶. همان، مواد ۳۸، ۳۴، ۲۵، ۲۶ و ۳۱.

۶۷. همان، مواد ۱۳۴، ۲۹، ۳۰ و ۳۱.

تسجیل و اجرای تعهدات بین‌المللی حقوق بنیادین بشر در افغانستان/۱۴۷

دارد، مرحله محاکمه است. در قانون اساسی افغانستان موارد خاصی هم وجود دارد که صرف مربوط به مرحله محاکمه می‌شود. از جمله ماده ۱۲۸ قانون اساسی که علنی بودن محکمه را در تمام محاکم افغانستان مقرر نموده و هم حضور هر شخصی را با رعایت احکام قانون در جریان محاکمه آزاد می‌شمارد. حتی اگر بنا بر دلایل قانونی هم محاکمه سری دایر گردد، اعلام حکم حتماً باید علنی باشد. این امر نشان‌دهنده آن است که در فیصله‌های علنی و در حضور عام مردم (بخصوص رسانه‌ها) امکان سوءاستفاده از مقام قضاء و بی‌عدالتی خیلی کاهش می‌یابد و محاکم نمی‌توانند هر آنچه که خواسته باشند در عقب درهای بسته اجرا نمایند. ماده ۱۲۹ قانون اساسی مذکور محکمه را مکلف می‌سازد تا اسباب صدور حکم را در فیصله ذکر نماید تا واضح باشد که شخص متهم بنا بر کدام دلایل الزام محکوم گردیده است. علاوه بر بند دوم ماده مذکور فیصله‌های قطعی محاکم به استثنای حکم اعدام واجب‌التعمیل دانسته شده است. چون در حالت حکم به اعدام، ازینکه جزا به حق حیات شخص خاتمه می‌دهد، ایجاب دقت و احتیاط بیشتر را می‌نماید؛ بنا بر این باید چنین حکمی توسط رئیس جمهور کشور منظور گردد. بر مبنای همین ماده قانون اساسی، محاکم می‌بایست در تمام مراحل، صرف قوانین نافذ را مطمح نظر خویش قرار دهند. اگر اسباب حکمی موجود نباشد به احکام فقه حنفی مراجعه کرده می‌توانند، مگر در هر صورت باید توجه داشته باشند تا عدالت را به بهترین وجه تأمین نمایند، زیرا هر محکمه که فاقد این معیارها و استانداردها باشد، صالح به صدور چنین حکم نخواهد بود.^{۶۸} مطابق ماده ۱۳۵ قانون اساسی جدید محکمه برای کسانی که مشکل زبانی دارند مکلف است تا ترجمان تعیین نماید تا مبادا شخص نتواند از حق خود دفاع نماید.^{۶۹}

ب- تعهدات حقوق بشری افغانستان در قوانین عادی: دولت افغانستان در مطابقت با تعهدات بین‌المللی حقوق بشری خویش و در روشنی قانون اساسی، حقوق بنیادین بشر را در قوانین عادی خود نیز تسجیل نموده است. چون این امر یکی از الزامات دولت‌های تصویب‌کننده میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد. دولت افغانستان در این عرصه قدم‌های عملی خوبی برداشته که از آن جمله می‌توان از تصویب قوانین مرتبط با اجرای حقوق بنیادین بشر در عرصه‌های مختلف و گنجاندن ارزش‌های حقوق بشری در لابلای سایر قوانین نام برد. مهم‌ترین قوانینی که طی سال‌های اخیر در موضوعات مرتبط با حقوق بنیادین بشر تصویب گردیده است

۶۸. علامه، غلام حیدر، جایگاه حقوق بشر در قانون اساسی افغانستان، (کابل، عرفان، ۱۳۸۷) ۷۸.
۶۹. مواد ۱۲۸، ۱۲۹ و ۱۳۵ قانون اساسی سال ۱۳۸۲ افغانستان.

عبارت اند از: (قانون احزاب سیاسی، قانون کار، قانون مبارزه با قاچاق انسان و مهاجران، قانون رسانه‌های همگانی، قانون دسترسی به اطلاعات و غیره).^{۷۰} علاوه بر قوانین فوق، حقوق بنیادین بشر در ضمن سایر قوانینی که برای ارگان‌های ذی‌ربط با حقوق بشر تصویب گردیده اند، نیز انعکاس یافته است؛ مانند قوانین ارگان‌های عدلی و قضایی (پلیس، خرنوالی، محاکم و وکلای مدافع). اقدامات دیگر دولت افغانستان در عرصه قانونمند ساختن حقوق بشر در کشور تدوین طرح قوانینی است که مسقیماً در مورد مهم‌ترین بخش‌هایی از حقوق بنیادین بشر ترتیب شده‌اند ولی تا هنوز مراحل قانونی تصویب شان تکمیل نگردیده و بلااثر فرمان تقنینی رئیس دولت نافذ می‌باشند. از آن جمله می‌توان از قانون منع خشونت علیه زنان، قانون منع شکنجه، مقررۀ رعایت حقوق بشر در ادارات و کد جزایی جدید افغانستان نام برد. از اینکه مطالعه حقوق بنیادین بشر روی همه این قوانین از عهده این نوشتار خارج می‌باشد، به‌طور نمونه به بررسی قانون منع خشونت علیه زنان، قانون منع شکنجه و کد جزا اکتفا می‌شود.

قانون منع خشونت علیه زنان: این قانون در چهار فصل و ۴۴ ماده در سال ۱۳۸۸ تصویب گردیده که در صورت تطبیق می‌تواند از حقوق بنیادین بشر در امور متعلق به زنان حمایت نماید. در کشور افغانستان زنان از آسیب‌پذیرترین قشر جامعه می‌باشند که بر اساس گزارشات منتشره، با وجود نافذ بودن این قانون، هنوز هم مشکلات زیادی در این عرصه به مشاهده می‌رسد. در این قانون تدابیر و قایوی و حمایتی برای رسیدگی به امور نقض حقوق بشر زنان تسجیل یافته است. طی ماده پنجم این قانون موارد خشونت علیه زنان جرم انگاری شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت اند از: (تجاوز جنسی، مجبور نمودن به فحشاء، مجبور نمودن به خودسوزی یا خودکشی، مجروح یا معلول نمودن، آزار، اذیت و لت و کوب، خرید و فروش زنان، بد دادن، نکاح اجباری، ممانعت از حق ازدواج و حق انتخاب زوج، منع تصرف در ارث و اموال شخصی، ممانعت از حق تعلیم، تحصیل و کار و دسترسی به خدمات صحی و کار اجباری). ضمن ماده ۸ تدابیر و قایوی و حمایتی از طرف وزارت امور زنان به همکاری سایر وزارت‌ها، ادارات دولتی و غیر دولتی و مؤسسات پیش‌بینی گردیده است که هر یکی از ارگان‌های نامبرده، در ساحه کاری خویش، تدابیر لازم را در راستای جلوگیری از خشونت علیه زنان اتخاذ نماید. علاوه بر اساس ماده ۱۵ این قانون کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن تحت ریاست وزیر امور زنان در نظر

۷۰. جهت دسترسی به سافت پی دی اف قوانین افغانستان مراجعه شود به سایت انترنتی وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان، بخش مجموعه قوانین افغانستان <<http://moj.gov.af/Content/files/index.htm>> آخرین بازدید ۱۰/عقرب/۱۳۹۶.

تسجیل و اجرای تعهدات بین‌المللی حقوق بنیادین بشر در افغانستان/ ۱۴۹

گرفته شده است که در ترکیب آن ۱۲ نفر از معینان، رؤسا و نمایندگان ارگان‌های ذی‌ربط شامل می‌باشد. مطابق ماده ۱۶ این قانون، کمیسیون نامبرده در رابطه به جلوگیری از ارتکاب خشونت علیه زنان، صلاحیت‌های مطالعه و ارزیابی، مشورت‌دهی، تأمین هماهنگی فعالیت‌های ادارات، جمع‌آوری احصائیه و ارقام جرایم خشونت را برعهده دارد. فصل سوم این قانون به احکام جزایی در رابطه به مرتکبین جرایم خشونت علیه زنان اختصاص یافته است.^{۷۱}

قانون منع شکنجه: این قانون ضمن ۲۱ ماده در چهار فصل ترتیب‌گردیده است که مطابق ماده دوم آن، به‌هدف رعایت و حفظ کرامت انسانی، تأمین حقوق مظنونان، متهمان و محکومان، جلوگیری از شکنجه آن‌ها در مراحل کشف جرم، تحقیق، محاکمه و تنفیذ مجازات، حمایت از متضررین شکنجه و شهود ارتکاب آن، تعقیب عدلی مرتکبان جرم شکنجه و تأمین جبران خساره متضرر جرم شکنجه تدوین گردیده است. در مجموع قانون مذکور در ضمن مواد متعدد خویش راهکارهای جلوگیری از وقوع جرم شکنجه و رسیدگی به قضایای شکنجه را از طرق مختلف تسجیل نموده که از آن جمله مطابق ماده یازدهم آن تشکیل کمیته منع شکنجه مرکب از ۱۵ نفر تحت ریاست رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و با اعضای متشکل از معینان، رؤسا و نمایندگان باصلاحیت ارگان‌های ذی‌ربط و تأثیرگذار بر قضایای حقوق بشر در نظر گرفته شده است. مطابق ماده ۱۲ این قانون، کمیسیون مذکور دارای وظایف و صلاحیت‌های چشم‌گیری در راستای تحقق اهداف این قانون می‌باشد که عمده‌ترین آنها شامل نظارت از محلات سلب آزادی و مراقبت از عدم شکنجه در آن‌ها، ایجاد کمیته‌های بررسی قضایای شکنجه، پی‌گیری رسیدگی به قضایای شکنجه در مراجع عدلی و قضایی و تصویب برنامه و وضع رهنمود به‌منظور تطبیق بهتر احکام قانون مذکور می‌شود.

نکته مهم دیگری که در این قانون جلب توجه می‌کند این است که مطابق ماده ۱۳ کمیته بررسی شکنجه که مرکب از اعضای ۱۰ نفره تحت ریاست متخصص طب عدلی و عضویت متخصص صحت روانی و نمایندگان وزارت‌ها و سایر ادارات ذی‌ربط بخاطر بررسی قضایای شکنجه تشکیل می‌گردد. مطابق ماده ۱۴ کمیته صلاحیت بازدید از محلات سلب آزادی، مصاحبه با مظنونان و متهمان، شناسایی موارد شکنجه، تشخیص نحوه شکنجه، دادن اطلاع به خازنوالی مربوطه، تثبیت درد یا عذاب جسمی یا روانی به مجنی‌علیه و تعیین میزان خساره ناشی

۷۱. ریاست نشرات وزارت عدلیه افغانستان، قانون منع خشونت علیه زنان (جریده رسمی، نمبر مسلسل ۹۸۹، سال ۱۳۸۸) مواد مختلف.

از صدمه شدید جسمی یا روانی و امثال آن را دارا می‌باشد. نحوه رسیدگی این کمیته مطابق به ماده ۱۵ طوری است که حین بررسی واقعات شکنجه روش‌هایی را که در پروتوکول استانبول و پروتوکول الحاقیه کنوانسیون منع شکنجه تعیین گردیده، رعایت می‌نمایند.^{۷۲}

کد جزا: یکی دیگر از قوانینی که به تازگی در افغانستان تدوین و نشر گردیده و به تعهدات بین‌المللی حقوق بشری کشور توجه نموده است کد جزای جدید است. هرچند کد جزای جدید تا هنوز به تصویب شورای ملی کشور نرسیده است ولی بر اساس فرمان تقنینی رئیس جمهور تا اواخر سال جاری ۱۳۹۶ در کشور نافذ می‌گردد. این قانون در ضمن دو کتاب (کتاب اول احکام عمومی و کتاب دوم جرایم و جزاها) حاوی ۹۱۶ ماده تدوین گردیده که نسبت به کد جزای قبلی نوآوری‌های زیادی از لحاظ شکل و محتوی در آن به مشاهده می‌رسد. با توجه به تعهدات بین‌المللی دولت افغانستان در رابطه به تضمین حقوق بنیادین بشر، این کد جزا در بخش قانونمند ساختن حقوق بشر و درج ضمانت‌های اجرایی برای ناقضان این حقوق از ارزش و اهمیت خاصی برخوردار است. به نظر می‌رسد که این کد جزا با در نظر داشت تحولات جدید قرن حاضر جرم انگاری‌های زیادی را انجام داده است که قسمت زیادی از این جرم انگاری‌ها با رعایت حقوق بنیادین بشر در کشور رابطه مستقیم دارد. این جرم انگاری‌ها در بخش‌های مختلفی صورت گرفته است که مهم‌ترین آن‌ها را در این نوشتار به طور نمونه مورد بحث مختصر قرار می‌دهیم: به عنوان مثال کتاب دوم باب مستقلی را به جرایم علیه بشریت اختصاص داده است که حاوی فصول جداگانه جرایم علیه بشریت می‌باشد. فصل اول آن در مورد جرایم نسل کشی است که مطابق ماده ۳۳۳ جرایمی از قبیل (قتل اعضای گروه، وارد کردن صدمه شدید جسمی یا روانی به اعضای گروه، قراردادن عمدی یک گروه در معرض وضعیت زندگی نا مناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن شود، اقدامی که به منظور جلوگیری از توالد و تناسل یک گروه صورت گیرد و انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروه دیگر مصداق جرایم نسل کشی شناخته شده‌اند).

مطابق ماده ۳۳۴ جزای تعیین شده برای مرتکبین این نوع جرایم حسب مورد از حبس دوام درجه ۲ و در صورتی که منجر به قتل گردد، مرتکب به اعدام محکوم می‌گردد.^{۷۳} فصل دوم این باب در ضمن ماده ۳۳۵ نوع دیگری از جرایم علیه بشریت را تحت عنوان جرایم ضد بشری مرقوم داشته و جرایم ذیل را به عنوان جرم ضد بشری فهرست نموده است:

۷۲. ریاست نشرات وزارت عدلیه افغانستان، قانون منع شکنجه (جریده رسمی، نمبر مسلسل ۱۲۹۶ سال ۱۳۹۶) مواد مختلف.

۷۳. مطابق ماده ۱۴۷ این قانون، حبس قصیر از ۳ ماه تا یک سال، حبس متوسط بیش از ۱ سال تا ۵ سال، حبس طویل بیش از ۵ سال تا ۱۶ سال، حبس دوام درجه ۲ بیش از ۱۶ سال تا ۲۰ سال، حبس دوام درجه یک بیش از ۲۰ سال تا ۳۰ سال می‌باشد.

تسجيل و اجرای تعهدات بین‌المللی حقوق بنیادین بشر در افغانستان/ ۱۵۱

"قتل، نابود سازی^{۷۴}، به بردگی گرفتن، اخراج یا کوچ اجباری یک جمعیت، حبس کردن یا ایجاد محرومیت شدید از آزادی‌های جسمانی مخالف قواعد اساسی حقوق بین‌الملل، شکنجه، تجاوز جنسی، برده‌گیری جنسی، فحش‌ای اجباری، حاملگی اجباری، عقیم سازی اجباری یا هر شکل دیگر خشونت جنسی در همان سطح، تعقیب و آزار هر گروه یا مجموعه مشخصی به دلایل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسیت... و هر جرمی دیگری مشمول صلاحیت دیوان جزایی بین‌المللی و سند نهایی کنفرانس دیپلماتیک روم، که در سراسر جهان به موجب حقوق بین‌الملل غیر مجاز شناخته شده است، ناپدید کردن اجباری اشخاص، جنایت تبعیض نژادی و سایر اعمال غیر انسانی دیگری که عمداً به قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا به سلامت روانی یا جسمی صورت پذیرد."^{۷۵}

مطابق ماده ۳۳۶ این قانون برای مرتکبان جرایم ضد بشری، حسب مورد، جزای حبس طویل، حبس دوام درجه ۱ حبس دوام درجه ۲ و حتی اعدام پیش‌بینی شده است. باب چهارم این قانون فصل نهم خویش را به جرم شکنجه اختصاص داده و ضمن مواد ۴۵۰ تا ۴۵۲ مصادیق و جزایهای آن را تعیین نموده است. منع شکنجه یکی از حقوق بنیادین بشر می‌باشد که در مباحث قبلی به آن پرداختیم. همین‌طور تمام موارد مربوط به حقوق بشر و حقوق بنیادین بشر در لابلای مواد کد جزای افغانستان درج گردیده و جزای ناقصین این حقوق مشخص گردیده که جهت جلوگیری از طوالت بحث به مثال‌های فوق اکتفا می‌شود.^{۷۶}

۳- چگونگی وضعیت حقوق بنیادین بشر و علل نقض آن در افغانستان

در ذیل این عنوان ابتدا چگونگی وضعیت اجرای عملی تعهدات حقوق بشری افغانستان را به مطالعه می‌نشینیم که در واقع نتایج متوقعه همه تعهدات ملی و بین‌المللی دولت افغانستان و تحقق اندیشه‌ها و آرمان‌های پاک بشری در راستای تأمین حقوق و آزادی‌های بنیادین ملت افغانستان را شامل می‌شود. در این بخش، بررسی ما مبتنی بر گزارشاتی خواهد بود که، در رابطه به وضعیت حقوق بشر در افغانستان، توسط مراجع معتبر و مسئول ملی و بین‌المللی، مانند کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد و دفتر یوناما در کابل و سایر مراجع

۷۴. بر اساس بند ۲ ماده ۳۳۲ نابودسازی شامل تحمیل عمدی وضعیت خاصی از زندگی است از جمله محروم کردن از دسترسی به غذا و دوا که به منظور منهدم کردن بخشی از یک جمعیت برنامه ریزی می‌شود.

۷۵. ماده ۳۳۵ کد جزای جدید افغانستان (جریده رسمی، نمبر مسلسل ۱۲۶۰ سال ۱۳۹۶).

۷۶. همان، مواد مختلف.

ذی ربط منتشر گردیده است. سپس عمده ترین علل و عوامل نقض حقوق بشر در افغانستان را که ریشه در واقعیت های عینی جامعه افغانی دارند، طور مختصر به بحث خواهیم گرفت تا با واضح شدن این علل و اسباب، پیدا نمودن راه حل های اساسی برای بهبود وضعیت حقوق بنیادین بشر در افغانستان برای ما میسر گردد.

۱-۳ چگونگی وضعیت حقوق بنیادین بشر در افغانستان

الف- چگونگی وضعیت حقوق و آزادی های اساسی افراد: گزارشات منتشر شده توسط منابع مختلف داخلی و خارجی از جمله کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از وضعیت اسفبار حقوق و آزادی های اساسی افراد یا همان حقوق بنیادین بشر در تمام زمینه های آن در این کشور خبر می دهد. هرچند با تشکیل نظام جدید پسا طالبان در افغانستان، کوشش های چشم گیری بنحاضر تأمین حقوق و آزادی های اساسی شهروندان صورت گرفته ولی به نظر می رسد که این تلاش ها کافی نبوده و با در نظر داشت وضعیت بحرانی موجود در کشور، ضرورت داشتن اراده قوی دولت مردان و سعی و تلاش بیشتر برای اجرای تعهدات و مبارزه با نقض گسترده حقوق بنیادین بشر احساس می شود. در ذیل چگونگی وضعیت حقوق متذکره را در ضمن گزارشات ارائه شده تحت عناوین جداگانه مورد ارزیابی قرار دهیم:

حق حیات: حق حیات یا زندگی مهم ترین حق بنیادین بشر است. به استثنای حالاتی که بر اساس محاکمه عادلانه صورت گیرد، این حق در هیچ نوع شرایطی قابل تعلیق و تخطی نمی باشد. چنانچه بر اساس آخرین گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در سال ۱۳۹۵ جمعاً ۱۶۷۶۵ مورد نقض حقوق بشر در این کشور به ثبت رسیده است که از آن جمله ۱۰۶۰۸ مورد آن متعلق به حق حیات بوده و اکثراً تلفات افراد ملکی را شامل می شود (۲۸۲۳ کشته و ۷۷۸۵ زخمی). دلیل این که چرا این حق مهم بشری بیش تر از سایر حقوق در افغانستان نقض می شود، وضعیت جنگی و گسترش خشونت ها از قبیل حملات انتحاری، ترور، قتل های ناموسی، قتل های ناشی از منازعات و امثال آن بوده است. آمارهای ثبت شده این کمیسیون نیز نشان می دهد که در طول سال ۱۳۹۵ جمعاً ۲۸۶۰ مورد نقض حق حیات در کشور صورت گرفته است، که از این جمله ۳۷ مورد آن شامل اعدام های بدون محاکمه، ترور، قتل های ناموسی، محاکمات صحرائی و قتل هایی را شامل می شود که دولت به آن ها رسیدگی نکرده است.^{۷۷}

۷۷. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، وضعیت حقوق بشر افغانستان در سال ۱۳۹۵، گزارش دوازدهم، ص ۸. برای کسب معلومات بیشتر مراجعه شود به گزارش کامل کمیسیون حقوق بشر که به شکل Pdf در سایت کمیسیون موجود می باشد <www.aihrc>

تسجیل و اجرای تعهدات بین‌المللی حقوق بنیادین بشر در افغانستان/۱۵۳

خشونت علیه زنان: قضایای مربوط به خشونت علیه زنان در سال ۱۳۹۵ نیز جمعاً ۵۵۷۵ مورد گزارش شده است که از آن جمله ۱۵۹۱ مورد آن خشونت‌های فیزیکی و جسمی، تعداد ۳۶۱ مورد دیگر آن خشونت‌های جنسی، ۱۸۸۷ مورد آن شامل خشونت‌های لفظی و روانی، ۱۱۲۱ مورد خشونت‌های اقتصادی (مانند مجبور کردن دختران به ازدواج برای دریافت پول) و ۶۱۵ مورد دیگر آن را سایر موارد خشونت علیه زنان تشکیل می‌دهد، که به نحوی با عرف و عنعنات ناپسندیده رایج در کشور افغانستان ارتباط دارند.^{۷۸} علاوه بر آنچه تذکر داده شد، موارد دیگری از نقض حقوق بنیادین بشر در افغانستان وجود دارد که تحت عنوان (قضایای خاص حقوق بشر) در برگیرنده شکایات شهروندان به کمیسیون می‌باشد. در سال ۱۳۹۵ جمعاً ۵۸۲ قضیه نقض حقوق بشر در کمیسیون به ثبت رسیده است. طبق یافته‌های این تحقیق ۳۱ فیصد ازدواج‌های زودهنگام دختران به دلیل حل مشکلات اقتصادی [خانواده‌های شان] بوده است. بدین معنی که دختران در سنین پایین در بدل مبلغی پول و یا اجناس دیگر مجبور به ازدواج می‌شوند. رسوم سنتی از قبیل دریافت مبالغ بالا به نام طویانه، شیربها یا گله، از سوی فامیل دختر همچنان در مناطق مختلف افغانستان رواج دارد و فامیل‌ها بدون در نظر داشت عواقب آن، ارزش‌های حقوق بشری را نادیده گرفته و دختران را زیر عنوان سنت و عنعنات رایج، در واقع خرید و فروش می‌کنند.^{۷۹}

منع شکنجه: هرچند در مورد ممنوعیت شکنجه، بخاطر حفظ کرامت و عزت انسان در قوانین بین‌المللی و ملی تأکیدات فراوانی صورت گرفته و بخاطر رفع این معضل بشری حین اجراءات در ارگان‌های عدلی و قضایی تلاش‌های زیادی انجام شده است، اما تا هنوز هم از طریق اعمال شکنجه و بد رفتاری، کرامت انسانی شهروندان در هنگام تحقیق و توقیف مورد بی احترامی قرار می‌گیرد. طبق آمار کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در سال ۱۳۹۵ جمعاً ۸۲ قضیه در مورد ارتکاب جرم شکنجه و بد رفتاری و نادیده گرفتن کرامت انسانی در دفاتر کمیسیون ثبت شده است. در سال ۱۳۹۴ جمعاً ۱۰۱ قضیه شکنجه در کمیسیون ثبت شده بود که در مقایسه با آن در سال ۱۳۹۵ موارد شکنجه کم‌تر شده است. از میان مصادیق مختلف شکنجه، مانند شکنجه جسمی، رفتار خشن و غیرانسانی، مجازات ظالمانه و تحقیرکننده، تجاوز، بهره‌کشی جنسی که همه در ذیل جرم شکنجه و بد رفتاری قرار می‌گیرند؛ بیش‌ترین تعداد (۶۴ مورد) مربوط به رفتارهای خشن و غیرانسانی شامل لت و کوب، برخورد‌های فیزیکی و توهین و تحقیر بوده است. علاوه بر آن ۸ مورد

شکنجه و ۸ مورد تجاوز جنسی نیز در سال ۱۳۹۵ در کمیسیون متذکره به ثبت رسیده است.^{۸۰}

حق آزادی بیان و مطبوعات: گزارشات ارائه شده نشان دهنده آن است که دولت افغانستان به طور سیستماتیک مانعی برای آزادی بیان ایجاد نکرده، اما در زمینه تأمین امنیت خبرنگاران و کارکنان رسانه‌ها موفق نبوده است.^{۸۱} سال ۱۳۹۵ برای خبرنگاران سال خونینی بوده که در آن ۱۴ کارمند رسانه‌ای جانشان را از دست داده‌اند. بر اساس آمار مؤسسه حمایت از رسانه‌های آزاد (نی)،^{۸۲} در سال ۲۰۱۶ جمعاً ۴۱۵ مورد خشونت علیه خبرنگاران به ثبت رسیده است که از این میان ۱۴ مورد قتل، ۲۳ مورد زخمی، ۳ مورد بازداشت، ۴۳ مورد لټ و کوب، ۴۰ مورد تهدید و اهانت و ۲۹۲ مورد آن تهدیدهای گروهی را شامل می‌شود. از این جمله ۶۳ مورد آن توسط دولت، ۳۲۶ مورد آن توسط طالبان و ۲۶ مورد آن توسط اشخاص ناشناس صورت گرفته است.^{۸۳} سازمان حمایت از رسانه‌های آزاد افغانستان گزارشی را نشر نموده است که در آن وضعیت رسانه‌ها و آزادی بیان در دوران حکومت وحدت ملی را با دوران حکومت آقای کرزی مقایسه نموده و دوره حکومت جدید وحدت ملی را نسبت به دوران قبلی بدتر توصیف نموده است. مهم‌ترین موارد آن شامل نقض قانون اساسی، قانون رسانه‌ها، قانون دسترسی به اطلاعات و اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های حقوق بشری که افغانستان به آن‌ها در زمینه رعایت حق آزادی بیان و پخش اطلاعات متعهد است، عنوان شده و در تفصیل این ادعا مواردی از نقض این قوانین توسط شخص رئیس جمهور و محافظین ایشان، شورای امنیت و سایر ارگان‌های دولت نیز به نشر رسیده است. در یک گزارش دیگر بنیاد مذکور حکومت وحدت ملی را قانون ساز قانون شکن معرفی کرده و دلایل زیادی را برای اثبات ادعای خود ذکر نموده است.^{۸۴} نی در یک گزارش دیگر خود که از رسیدگی به ۱۷۰ پرونده خشونت علیه خبرنگاران توسط وزارت امور داخله خبر می‌دهد، ۲۴ مورد خشونت علیه خبرنگاران مربوط ریاست امنیت ملی، ۸ مورد مربوط به ستره محکمه، ۷ مورد مربوط به وکلای

۸۰. همان، ص ۶، ۳۰-۳۳.

۸۱. همان، ص ۱۰.

۸۲. مؤسسه حمایت از رسانه‌های آزاد افغانستان (نی)، مؤسسه غیر حکومتی افغانی و یکی از اعضای شبکه بین‌المللی انترنیوز بوده و در سال ۱۳۸۴ تاسیس گردیده است که در راستای توانمند سازی رسانه‌های آزاد و تعمیم آزادی بیان، در عرصه‌های آموزشی، دادخواهی و تولیدی کار می‌نماید. برای معلومات بیشتر به سایت انترنتی مؤسسه مذکور مراجعه شود. <<http://nai.org.af/dr>> آخرین بازدید ۲۰۱۸/۰۱/۰۳.

۸۳. گروه حمایت از رسانه‌های آزاد (نی) گزارش سال ۲۰۱۶ دیده بان رسانه‌ها، (گراف خشونت در برابر خبرنگاران و کارمندان رسانه‌یی در افغانستان) فایل pdf موجود در سایت انترنتی (نی) <<http://nai.org.af/dr/media-watch-report>> آخرین بازدید ۲۰۱۷/۰۱/۱۱.

۸۴. مؤسسه حمایت از رسانه‌های آزاد افغانستان، مقایسه وضعیت آزادی بیان در حکومت وحدت ملی و دوران حکومت ۱۳ ساله حامد کرزی، فایل pdf موجود در سایت انترنتی مؤسسه، <<http://nai.org.af/dr>> آخرین بازدید ۲۰۱۷/۰۱/۱۱.

تسجيل و اجرای تعهدات بین‌المللی حقوق بنیادین بشر در افغانستان/۱۵۵

پارلمان و یا محافظین‌شان، سه مورد مربوط به محافظان ریاست جمهوری و ۹ مورد دیگر به نیروهای ائتلاف بین‌المللی مقیم در افغانستان تعلق دارد که رسیدگی به آن‌ها از صلاحیت کاری وزارت امور داخله افغانستان بیرون دانسته شده‌اند. عنوان جذاب دیگری که در گزارش متذکره به چشم می‌خورد این است که تا هنوز ۳۴ فیصد نهادهای دولتی افغانستان، اصلاً مرجع مشخصی برای اطلاع‌رسانی ندارند. این در حالیست که ماده ۱۰ قانون دسترسی به اطلاعات^{۸۵} چنین مشعر است: «ادارات مکلف‌اند به منظور تأمین حق دسترسی اتباع کشور به اطلاعات، مرجع مسوول اطلاع‌رسانی را مشخص نمایند.»^{۸۶} کتمان غیر قانونی اطلاعات از شهروندان نیز در ارگان‌های دولتی به مشاهده رسیده است. چنانچه آخرین مورد آن کتمان جای ملاقات رئیس جمهور و رئیس اجرائیه دولت با وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا است که با فوتوشاپ تصویر سالن ملاقات بگرام همراه بود و انعکاس خیلی منفی در رسانه‌های اجتماعی داشت.^{۸۷}

حق بر آزادی و امنیت شخصی: حق آزادی و امنیت شخصی یکی دیگر از مهم‌ترین حقوق بنیادین بشری است. هر انسان آرزو دارد تا در محیط آزاد همراه با آرامش و امنیت زندگی نماید. اگر این حق انسان تأمین نگردد، افراد نمی‌توانند به درستی از بسیاری حقوق دیگر خود مستفید شوند. بر اساس معیارهای بین‌المللی حقوق بشر، هر انسان حق دارد از آزادی و امنیت شخصی برخوردار باشد و دولت نیز موظف است تا از آزادی و امنیت شهروندان خویش حفاظت نماید.^{۸۸} در سال ۱۳۹۵ در کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان جمعاً ۲۰۳ مورد نقض حق آزادی و امنیت شخصی به ثبت رسیده است. درحالیکه این رقم در سال ۱۳۹۴ به ۱۹۹ مورد می‌رسید. بر اساس قضایای ثبت شده در کمیسیون مستقل حقوق بشر میتوان ادعا کرد که نقض حق آزادی و امنیت شخصی که از طرف نیروهای مسلح دولت، افراد قدرتمند محلی و مخالفین مسلح دولت صورت می‌گیرد، در جریان سه سال اخیر رو به افزایش بوده است.^{۸۹}

۸۵. ریاست نشرات وزارت عدلیه افغانستان، قانون دسترسی به اطلاعات (جریده رسمی، نمبر مسلسل ۱۱۵۶ سال ۱۳۹۳) ماده دهم.

۸۶. مؤسسه حمایت از رسانه‌های آزاد افغانستان، گزارش دیده بان رسانه‌ها (ماهنامه شماره ۱۴۸، برج سنبله ۱۳۹۶) ۱۳. فایل pdf این ماهنامه در سایت انترنتی نی موجود می‌باشد <<http://nai.org.af/files/documents/mw/mw148.pdf>> آخرین بازدید ۲۰۱۷/۰۱/۱۱.

۸۷. به عنوان مثال رجوع شود به سایت خبرنامه <<http://khabamama.net/blog/2017/10/24/edited-photos-of-meeting>>

شبکه اطلاع‌رسانی افغانستان <<http://www.afghanpaper.com/nbody.php?id=140496>> و افغانستان-رو <<http://www.farsi.ru/doc/14783.html>> آخرین بازدید ۲۰۱۸/۰۱/۰۳

۸۸. رک: مقدمه اعلامیه حقوق بشر اسلامی، ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۲۴ قانون اساسی افغانستان.

۸۹. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، گزارش وضعیت حقوق بشر در سال ۱۳۹۵، پیشین، ۶ و ۲۴.

ب - چگونگی وضعیت حقوق متهمان و محکومین: طوری که در بخش‌های قبلی نیز یادآوری نمودیم، انسان‌ها زمانی که در وضعیت خاص اتهام و یا محاکمه قرار می‌گیرند از هر وقت دیگری بیشتر با خطر پامال شدن حقوق خویش مواجه می‌شوند. در خصوص نقض حقوق متهمان و محکومان در سال ۱۳۹۵ در افغانستان نیز گزارشی به ثبت رسیده است. بر مبنای آمار موجود در گزارشات کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در سال ۱۳۹۵ جمعاً ۱۸۳ مورد نقض حقوق متهمان و محکومان به ثبت رسیده است که از این میان بیشترین تخطی یعنی ۹۰ مورد مربوط به آن دسته متهمانی است که دوسیه‌های‌شان در میعاد معین قانونی توسط مراجع ذی‌ربط رسیدگی نشده است. هم‌چنان در جریان سال ۱۳۹۵ جمعاً ۳۴ مورد نقض حق رهایی از توقیف غیرقانونی نیز در کمیسیون به ثبت رسیده است که بیش‌ترین تخطی‌ها نسبت به حقوق متهمان و محکومان را بازداشت‌ها و توقیف‌های خلاف قانون تشکیل می‌دهد.^{۹۰}

توقیف خود سرانه و لت و کوب: بخاطر تحقق حق آزادی که از اساسی‌ترین حقوق اساسی افراد است، در جامعه‌ایکه قانون حاکم باشد، نباید هیچ‌کسی بدون حکم قانون دستگیر و توقیف شود. طبق آمار کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، در سال ۱۳۹۵ به تعداد ۱۱۹ تن از شهروندان بر خلاف قانون دستگیر و توقیف شده‌اند. به بیان ساده تقریباً در هر ۳ روز یک شهروند افغانستان، برخلاف قانون، توسط افراد مسلح و زورمندان و حتی توسط نیروهای امنیتی و مجری قانون و تأمین‌کنندگان امنیت، دستگیر و توقیف شده‌اند.^{۹۱} طبق معیارهای بین‌المللی و قوانین ملی هیچ‌کسی نباید مورد ضرب و شتم قرار گیرد، زیرا این عمل مصداقی برای شکنجه است که منع آن از حقوق بنیادین بشر به‌شمار می‌رود. بنابر این اگر شخص به‌هر دلیلی در معرض چنین عملی قرار گیرد، عامل آن باید به‌طور جدی مورد پیگرد قانونی قرار گرفته، حق نقض شده اعاده و خسارت وارده بر شخص متضرر باید جبران شود.^{۹۲} در سال ۱۳۹۴ در کنار نقض سایر حقوق بنیادین بشری، افراد زیادی در معرض لت و کوب قرار گرفته‌اند و جمعاً ۳۰ مورد نقض این حق در دیتابیس کمیسیون مستقل حقوق بشر ثبت شده است. بر اساس گزارش‌های موجود، به‌دلیل اینکه گاهی عاملان چنین تخطی‌ها افراد زورمند، قوماندانان محلی، افراد مسلح غیرمستول و حتی پلیس و اردوی ملی و محافظان مقامات بلند رتبه دولت هستند، در شرایط کنونی نسبت

۹۰. همان، ص ۷.

۹۱. همان، ص ۲۷.

۹۲. ماده ۷ اساسنامه محکمه بین‌المللی عدالت، ماده ۱ کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه و ماده ۳ قانون منع شکنجه افغانستان.

تسجیل و اجرای تعهدات بین‌المللی حقوق بنیادین بشر در افغانستان/۱۵۷

به اعاده حق قربانی و مجازات تخطی‌کنندگان توجه کافی صورت نمی‌گیرد.^{۹۳} علاوه بر گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر، دفتر کمیشنری عالی حقوق بشر و هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) در کابل نیز در گزارش مشترک خود که بعد از انجام تحقیق در مورد چگونگی برخورد با توقیف شدگان منازعات مسلحانه بر اساس تطبیق برنامه ملی محو شکنجه در افغانستان، منتشر شده است، موارد زیادی از شکنجه افراد را در مراکز سلب آزادی گزارش داده‌اند. یوناما در یافته است که در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ از جمله ۴۶۹ نفر توقیف شدگانی که با آن‌ها مصاحبه شده است، ۱۸۱ نفر آن‌ها مورد شکنجه و سایر اشکال برخورد اهانت آمیز و غیر انسانی قرار گرفته‌اند که جمعاً ۳۹ فیصد را نشان می‌دهد. در حالیکه این رقم در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ پایین تر از آن و ۳۵ در صد را نشان می‌داد. این گزارش مفصل وضعیت حقوق بشر را در مراکز مختلف سلب آزادی، با تفکیک ارگان‌های امنیتی مربوطه دولت افغانستان (پلیس، اردوی ملی، امنیت ملی) طور مستند ارائه نموده است که در صفحه انترنتی کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد موجود می‌باشد.^{۹۴}

تعیین سرنوشت در میعاد مقرر: هر شخصی که توسط مراجع مربوط مورد سوء ظن و یا اتهام قرار می‌گیرد، باید در همان میعاد که قانون برای آن تعیین نموده است، به قضیه رسیدگی و سرنوشت متهم تعیین گردد. هرگاه ادارات مربوطه در زمان معین قانونی به اتهام متهمان رسیدگی نه نمایند، یکی از حقوق بشری که همانا منع آزادی است، نقض شده است. در سال ۱۳۹۵ بنابر آمار موجود از جمع ۱۸۳ مورد نقض حقوق متهمان و محکومان ۹۰ مورد آن مربوط به آن دسته متهمانی است که دوسیه‌های شان در میعاد معین قانونی توسط مراجع ذی‌ربط رسیدگی نشده است. گرچه وضعیت رسیدگی به دوسیه‌های متهمان نسبت به سال‌های گذشته بهتر شده است. قرار گزارشات اکثر دوسیه‌های متهمان در ستره محکمه و اداره لوی خرنوالی، بیش از میعاد که قانون اجراءات جزایی برای رسیدگی در این مرحله تعیین کرده است، معطل می‌ماند. مشکل دیگر در این زمینه رفت و برگشت دوسیه‌ها از ولایات به کابل و از کابل به ولایات است. البته این مشکل در مورد آن عده از متهمان و محکومانی که کسی را به‌عنوان همراه یا پایواز ندارند

۹۳. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، گزارش وضعیت حقوق بشر در سال ۱۳۹۵، پیشین، ۲۸.

۹۴. دفتر یوناما در کابل و دفتر کمیشنری عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، گزارش برخورد با توقیف‌شده گان منازعات در افغانستان، ب ص. pdf گزارش در سایت کمیشنری عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد صفحه افغانستان <<http://www.ohchr.org/>> EN/Countries/AsiaRegion/Pages/AFIndex.aspx آخرین بازدید ۲۰۱۷/۱۰/۳۰.

تا دوسیه‌های‌شان را در ستره محکمه و لوی خارنوالی تعقیب نماید، بیشتر واقع می‌شود.^{۹۵} در کنار مشکلات موجوده در عرصه حقوق بنیادین بشر در افغانستان، طی سال‌های اخیر تلاش‌های فراوانی در جهت بهبود وضعیت بشر در این کشور صورت گرفته است که با وجود ناکافی بودن آنها، نه می‌توان این پیشرفت‌ها را نادیده انگاشت. مهم‌ترین دست‌آورد دولت افغانستان انکشافات حقوق بنیادین بشر در عرصه قانون‌گذاری است که در بخش تعهدات حقوق بشری افغانستان در سطح ملی به آن پرداخته شد. علاوه بر پیشرفت‌های مذکور در بخش اجراءات نیز قدم‌های بزرگی برداشته شده است که از جمله تشکیل کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، اضافه نمودن ریاست‌ها، آمریتها و یا مدیریت‌های حقوق بشر در ادارات دولتی و هم اضافه نمودن پست جدیدی بنام (جندر) را در ادارات دولتی می‌توان نام برد.^{۹۶} هم چنان ارگان‌های امنیتی، عدلی و قضایی رسیدگی به امور حقوق بشر و جلوگیری از نقض این حقوق را در داخل ادارات متذکره توسط منسوبین بخش‌های حقوق بشر خود انجام می‌دهند که تا جایی مؤثر واقع گردیده است. در سال ۱۳۹۴ دولت پلان ملی برای محو شکنجه را به تصویب رساند که بر مبنای آن کوشش‌های فراوانی در راستای تصویب قوانین، نشر پالیسی‌ها و ایجاد و تهیه مکانیزم‌ها برای نظارت از حقوق بشر در چوکات اجراءات قانونی نهادهای امنیتی صورت گرفت که توسط مراجع معتبر ملی و بین‌المللی فعال در عرصه حقوق بشر نیز مورد استقبال قرار گرفته است.^{۹۷}

۲-۳ عمده‌ترین علل نقض حقوق بنیادین بشر در افغانستان

منظور ما از ارائه این بحث جستجوی راه‌های براءت برای دولت جمهوری اسلامی افغانستان در قبال مشکلات موجود در عرصه حقوق بشر نیست. چون قبلاً گفتیم که حقوق بنیادین بشر در هر نوع شرایط غیر قابل تعلیق و انحراف می‌باشند. بلکه هدف ما از ارائه این عوامل یافتن ریشه‌های اصلی و انگیزه‌های عدم رعایت و اجرای حقوق بنیادین بشر در افغانستان است تا باشد که با روشن شدن این علل و انگیزه‌ها پیدا شدن راه حل‌های اساسی برای بهبود وضعیت حقوق بنیادین بشر در افغانستان برای ما میسر گردد. طوری که دیده می‌شود، عمده‌ترین علل مشکلات حقوق بشر در افغانستان عبارت اند از جنگ و نا امنی، فقر، پایین بودن سطح دانش عمومی، حاکم بودن عرف‌های ناپسند در جامعه و غیره. که در ذیل طور خلاصه مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

۹۵. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، پیشین. آخرین بازدید ۲۲/۱۰/۲۰۱۷.

۹۶. تشکیلات موجود در ادارات جمهوری اسلامی افغانستان.

۹۷. دفتر یوناما در کابل و دفتر کمیشنری عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، پیشین.

تسجیل و اجرای تعهدات بین‌المللی حقوق بنیادین بشر در افغانستان/ ۱۵۹

طوری که به‌مشاهده می‌رسد عمده‌ترین علت نقض حقوق بشر وجود جنگ و ناامنی در کشور است که در واقع مادر تمام مصیبت‌ها و مشکلات به‌شمار می‌رود. از آن جایی که جنگ همه ارزش‌های مادی و معنوی یک جامعه را به‌کام نیستی فرو می‌برد، این پدیده شوم با ارزش‌های حقوق بشری و حقوق بنیادین آن نیز کاملاً در تضاد قرار داشته و رعایت آن‌ها را دشوار و حتی ناممکن می‌سازد. در کشور افغانستان از آغاز کودتای کمونیستی در سال ۱۳۵۷ تا اکنون تقریباً نزدیک به چهار دهه است که جنگ‌های خانمان‌سوز و ویرانگر ادامه دارد. از یک‌طرف وقوع این جنگ‌ها خود منجر به ارتکاب جرایم جنگی گردیده و از سوی دیگر با بزرگ شدن بیش از یک نسل از افراد در سایه جنگ‌های خونین، فرهنگ قتل، تجاوز، خشونت، ظلم و وحشت در کشور عام گردیده و زمینه‌های نقض هرچه بیشتر حقوق بنیادین بشر را فراهم نموده است. به‌عنوان مثال حق حیات که یکی از مهم‌ترین حقوق بنیادین بشری محسوب می‌شود، در فضای جنگ مفهوم خود را از دست می‌دهد و طرف‌های درگیر در منازعات مسلحانه طبعاً تشنه ریختاندن خون یک‌دیگر بوده و جانب‌مقابل را مباح‌الدم می‌دانند. فراهم نمودن فضای امن برای شهروندان و یا تأمین حق حیات یکی از وظایف اساسی و مسئولیت ملی و بین‌المللی دولت افغانستان است که با وجود کمک‌های جامعه جهانی و حضور نیروهای نظامی ناتو و ایالات متحده آمریکا، دولت در این راستا نه تنها موفقیت‌های چندانی نداشته، بلکه وضعیت امنیتی هر روز بدتر از پیش‌گزارش داده می‌شود.^{۹۸}

عامل مهم دیگری که به‌عنوان یکی از انگیزه‌های نقض حقوق بشر در افغانستان شناخته شده است، فقر و مشکلات اقتصادی می‌باشد. هرچند فقر خود یکی از پیامدهای جنگ و ناامنی در کشور است ولی در عین حال باعث نقض حقوق بنیادین بشر در کشور گردیده است. گزارش‌های ارائه شده توسط مراجع معتبر ملی و بین‌المللی نشان‌دهنده آن است که مردم در بسا موارد بخاطر فقر و مشکلات اقتصادی دست به نقض اساسی‌ترین حقوق بشری از قبیل سلب آزادی دیگران و فروش انسان می‌زنند.^{۹۹} به‌همین شکل تعداد زیادی از جرایم حقوق بشری دیگر مانند، قتل، اختطاف، تجاوز و امثال آن، حتی در میان اطفال، انگیزه مالی و اقتصادی داشته و

98. International Federation for Human Rights (FIDH), Human Rights at a cross roads: The need for a rights-centred approach to peace and reconciliation in Afghanistan, PDF file available in the website of <<http://www.fidh.org/IMG/pdf/af0512589a.pdf>> PP 6-10.

99. برای معلومات بیشتر مراجعه شود به: گزارش وضعیت حقوق اقتصادی و اجتماعی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۵ افغانستان، گزارش هشتم (نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، کابل (۱۳۹۵)، ۶، ۱۱، ۲۹، ۳۳، ۸۵، ۸۶ و ۸۷. فایل pdf <<http://www.aihr.org>> .
<org.af/home/research-reports/6508> آخرین بازدید ۲۰۱۷/۱۱/۰۳.

از فقر و تنگدستی ناشی می‌شود.^{۱۰۰} این در حالیست که آزادی و حفظ کرامت انسانی به عنوان حقوق بنیادین بشر توسط جامعه بین‌المللی به رسمیت شناخته شده و در هیچ صورت قابل نقض نه می‌باشند.^{۱۰۱}

پایین بودن سطح دانش و سواد عمومی عامل مهم دیگری در جهت عدم رعایت ارزش‌های حقوق بشری شمرده می‌شود. زیرا اکثریت کسانی که مرتکب نقض حقوق بشری می‌شوند از سواد و دانش لازم برخوردار نیستند تا با آگاهی لازم به چنین اعمالی دست نه‌زده و حقوق دیگران را احترام بگذارند. دنیلو پدیلا، رییس تعلیم و تربیه سازمان بین‌المللی یونسکو در افغانستان که در سنبله ۱۳۹۵ در برنامه گرامیداشت از روز جهانی سواد در کابل سخنرانی می‌کرد، آمار بی‌سوادی در میان زنان افغان را در مرکز شهرها ۸۰ درصد و در اطراف ۹۰ درصد و در میان مردان افغان جمعاً ۶۳ درصد اعلان نمود.^{۱۰۲} بر بنیاد آمار وزارت معارف، افغانستان هنوز هم جزء ۵ کشوری است که بیش‌ترین افراد بی‌سواد را در جهان دارد،^{۱۰۳} و جمعاً بیش از ۶۵ درصد نفوس آن را از میان واجدین شرایط با سوادی، افراد بی‌سواد تشکیل می‌دهند. با توجه به گزارشات ارائه شده توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و سایر مراجع با صلاحیت، یکی از فکتورهای اساسی نقض حقوق بشر در کشور افغانستان پایین بودن سطح سواد عمومی است.^{۱۰۴}

در کنار عوامل متذکره فوق‌عرف و عنعنات ناپسند عامل دیگری است که در جامعه افغانی حاکم بوده و باعث نقض و عدم رعایت حقوق بشر می‌گردد. بیش‌ترین این عنعنات ناپسند در تعارض کامل با حقوق بنیادین بشر از جمله حقوق زنان و کودکان، آزادی، برابری، دسترسی به عدالت و کرامت انسانی قرار دارد که در بخش‌های مختلف قبلاً به آن اشاره شده است. به‌عنوان نمونه دیده شده که در بعضی مناطق افغانستان عده دختران شان را، بدون در نظر داشت رضایت ایشان، بنام بدل و یا بد جبراً به ازدواج وادار ساخته و حق انتخاب شوهر را از ایشان سلب می‌نمایند.^{۱۰۵}

۱۰۰. برای معلومات بیشتر مراجعه شود به گزارش تحقیقی وضعیت اطفال طی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۵ در افغانستان، (نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، کابل ۱۳۹۵) ۳، ۶، ۱۵، ۱۸، ۲۲، ۲۷، ۲۹، ۴۱ و ۶۱. فایل pdf <<http://www.aihrc.org.af/home/>> child/6519 <آخرین بازدید ۲۰۱۷/۱۱/۰۳>

۱۰۱. ماده ۱ و ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۱ ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶.

۱۰۲. خبرگزاری مرکزی ۱۳۹۵/۰۶/۱۴ <<http://markazipress.com>> <آخرین بازدید ۲۰۱۷/۱۱/۰۳>

۱۰۳. شبکه اطلاع‌رسانی افغانستان، خبر ۱۳۹۲/۰۵/۲۸، <<http://www.afghanpaper.com/nbody.php?id=56492>> <آخرین بازدید ۲۰۱۷/۱۱/۰۴>

۱۰۴. و سیاست سازمان جهانی یونسکو، صفحه افغانستان، <<http://uis.unesco.org/en/country/AF>> <آخرین بازدید ۲۰۱۷/۱۱/۰۴>

۱۰۵. کمیسیون مستقل حقوق بشر، گزارش وضعیت حقوق بشر در سال ۱۳۹۵، پیشین، ۹.

نتیجه‌گیری

از مطالعه و تحلیل موضوعات قبلی چنین نتیجه گرفته می‌شود که حقوق بنیادین بشر از جمله مهم‌ترین حقوقی بشری هستند که تنها با تأمین و تحقق آنها بحیث جزء لاینفک ذات و طبیعت انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات، انسانیت بشر به معنی واقعی آن متحقق گردیده و مقام و منزلت والای آن تثبیت می‌گردد. بنابر همین اهمیت است که در مهم‌ترین اسناد بین‌المللی و منظوری حقوق بشر و هم‌چنان قوانین اساسی کشورها این حقوق به‌حیث حقوق بنیادین یا اساسی بشر درج گردیده و کشورها نه می‌توانند حتی در سخت‌ترین شرایط، مانند حالت اضطرار، آن‌ها را به‌حالت تعلیق در آورند. علاوه‌تاً این حقوق بنابر ویژگی‌های خاصی که دارند، با اجماع جهانی، به‌عنوان تعهدات عام‌الشمول دولت‌ها و قواعد آمره بین‌المللی پذیرفته شده‌اند.

نتیجه دیگری که از لابلای مباحث قبلی حاصل می‌شود این است که دولت‌ها با امضاء و تصویب اسناد بین‌المللی حقوق بشری، در برابر جامعه ملی و بین‌المللی مسئولیت پیدا نموده، مکلف‌اند تا مطابق تعهدات خویش اقدامات لازم را در جهت تأمین این حقوق انجام دهند، در غیر آن و در صورت نقض تعهدات حقوق بنیادین بشری، سایر کشورها می‌توانند که علیه کشور ناقض این حقوق به اقدامات لازمه متوسل شده و حتی، طی شرایط خاصی، اقدام دعوا نمایند. و هم‌کشورها نمی‌توانند هیچ‌نوع قراردادی را که محتوای آن با حقوق بنیادین بشر در تضاد باشد، منعقد نمایند. در کل از این امور می‌توان چنین نتیجه گرفت که نقض حقوق بنیادین بشر در قرن حاضر برابر با نقض قواعد آمره حقوق بین‌الملل بوده و نقض قواعد آمره مترادف با تهدید صلح و امنیت بین‌المللی به‌شمار می‌رود. لذا قواعد بنیادین حقوق بشر نظام بین‌المللی قرن بیست و یکم را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی یکی از معتبرترین اسناد حقوق بشری بین‌المللی است که بیش‌ترین حقوق بنیادین بشر در آن درج گردیده است. کشور افغانستان در سال ۱۹۸۳ این میثاق را امضاء و تصویب نموده و در موارد زیادی احکام آن را در قوانین داخلی، از جمله قانون اساسی خود، تسجیل نموده و برعلاوه بسیاری قوانین عادی خود را نیز در مطابقت با حقوق بنیادین بشری تدوین نموده است. لذا از اینکه بحیث عضو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی برای اجرا و تطبیق احکام آن متعهد است، برای رعایت این حقوق در سرزمین مربوطه خودش مسئولیت ملی و بین‌المللی داشته ایجاب می‌نماید تا اقدامات لازم را در راستای تحقق و تأمین حقوقی متذکره به‌خرچ داده و مسئولیت خود را ایفاء نماید. طوری که در گزارش‌های منتشره

نهادهای مسئول ملی و بین‌المللی مانند گزارش سالانه کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، گزارش سالانه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد و دفتر یوناما در کابل، مؤسسه حمایت از رسانه‌های آزاد (نی) و توصیه‌های کمیته میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مشاهده می‌شود، اقدامات مؤثری در راستای حمایت و رعایت از حقوق بشر در افغانستان صورت گرفته اما در قسمت اجرای این تعهدات تا هنوز مشکلات و نارسایی‌های فراوانی به مشاهده می‌رسد. موارد نقض حقوق بنیادین بشری مانند قتل ناحق، شکنجه، خشونت علیه زنان، سلب آزادی غیر قانونی، تبعیض نژادی، قومی، لسانی و مذهبی، عدم رسیدگی به موقع به قضایای متهمان و محکومان و غیره... در این کشور وجود داشته و حتی در بسا موارد نسبت به سال‌های قبل افزایش یافته است. در فرجام باید اذعان نمود که مسئولیت این همه عوامل و اسبابی که باعث می‌شود حقوق بشر در کشور افغانستان نقض شود، به دولت افغانستان بر می‌گردد که فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای تأمین حقوق بنیادین بشر را در همه عرصه‌ها اعم از مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطح ملی و بین‌المللی رسماً متعهد گردیده اما در برابر این تعهدات خویش، دچار نوعی (ساده انگاری معاهدات بین‌المللی) گردیده، برای الحاق به میثاق‌ها و سازمان‌های بین‌المللی جسورانه آماده است ولی برای اجرای آن‌ها طوری که لازم است، عمل نمی‌نماید. بنابر این گفته می‌توانیم که در واقع عامل اصلی نقض حقوق بنیادین بشر و یا عدم رعایت آن کم توجهی و عدم موجودیت اراده قوی دولت جمهوری اسلامی افغانستان برای اجرا و تطبیق قوانین ملی و بین‌المللی بخصوص در قلمرو حقوق بشر می‌باشد که بحیث شاه کلید همه مشکلات شناخته می‌شود، لذا بخاطر برون رفت از این وضعیت ناگوار، نکات آتی به عنوان پیشنهادات تحقیق حاضر ارائه می‌گردد:

پیشنهادها برای بهبود وضعیت حقوق بشر در افغانستان

۱. دولت با توجه به مسئولیت‌های بین‌المللی خود در قبال مسایل حقوق بشری مطابق به تعهداتی که به سطح ملی و بین‌الملل به‌دমে گرفته است، توجه جدی مبذول داشته، از جمله اجرا و تطبیق مواد میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را که حاوی حقوق بنیادین بشری می‌باشند، به صورت عملی در دستور کار خود قرار دهد و در تمام بخش‌های مربوطه با جدیت پی‌گیری نماید؛
۲. طوری که دیده می‌شود در افغانستان بیش‌ترین ناقضان حقوق بشر زورمندان و کسانی

تسجیل و اجرای تعهدات بین‌المللی حقوق بنیادین بشر در افغانستان/ ۱۶۳

هستند که در رده‌های بالایی حکومت جا دارند و یا هم کسانی‌اند که از طرف چنین افرادی حمایت می‌شوند. پس دولت اجرا و تطبیق مقررات حقوق بشری را ابتدا از چنین اشخاص و از ادارات مربوط به خود دولت آغاز نموده، برای به محاکمه کشاندن چنین اشخاص و افراد اقدامات لازم را روی دست گیرد تا عام مردم افغانستان به ارزش‌های حقوق بشری تمکین نمایند.

۳. در کشور افغانستان یک‌سلسله قوانین فرمانی وجود دارد که بیش‌ترین‌شان به حقوق بشر و حقوق بنیادین بشر متعلق می‌باشند. از آن جایی که قانون اساسی افغانستان صراحتاً در مواد مختلف خود شیوه‌ صدور فرامین تقنینی و تصویب و توشیح قوانین را مشخص نموده است، وجود چنین فرمان‌ها از اینکه در ضدیت آشکارا با متن قانون اساسی قرار دارند خود قانون شکنی تلقی گردیده و مانع تمکین مردم به سایر قوانین از جمله قوانین مربوط به حقوق بنیادین بشر می‌شوند. ۱۰۶ پس ایجاب می‌نماید تا فرامین متذکره در مناسب‌ترین فرصت جهت تصویب به پارلمان فرستاده شوند تا سرنوشت آنها روشن گردیده و به قانون واقعی و قابل تطبیق تبدیل شوند؛

۴. نقض حقوق بشر در ارگان‌های عدلی و قضایی کشور در ادارات متعلق به خود دولت صورت می‌گیرد که جلوگیری از آن در صورت داشتن برنامه و جدیت لازم حتی برای ضعیف‌ترین دولت‌ها هم ناممکن نیست. پس ایجاب می‌نماید تا دولت به این بخش توجه جدی مبذول داشته و بخاطر تأمین حقوق مظنونان، متهمان و محکومان برنامه‌های عملی طرح و تطبیق نماید؛

۵. طوری که لازم است ارزش‌ها و مفیدیت‌های رعایت حقوق بشر بخصوص حقوق بنیادین آن برای مردم تفهیم نگردیده و یا هم چهره‌نا مناسبی از حقوق بشر در جامعه انعکاس یافته است که مردم ارزش‌های حقوق بشری را پدیده زشت و در ضدیت با ارزش‌های دینی، فرهنگی و سنت‌های اجتماعی‌شان فکر می‌کنند. پس ایجاب می‌نماید تا برنامه‌های لازم و متناسب با ارزش‌های پسندیده جامعه افغانی بخاطر آگاهی مردم روی دست گرفته شده و عملی گردد تا باشد که مردم به رغبت خود شان به این ارزش‌ها تمکین نموده و حقوق بشر را زیر پا نه‌نمایند؛

۱۰۶. مانند قانون کمیسیون مستقل حقوق بشر، قانون منع خشونت علیه زنان، قانون منع شکنجه، مقررۀ رعایت حقوق بشر در ادارات و کد جزایی جدید افغانستان.

۶. از آن جایی که طبق آخرین گزارش‌ها محکمه بین‌المللی جزایی ICC کار رسیدگی به قضایای نقض حقوق بشر و جرایم جنگی در افغانستان را آغاز نموده است، ایجاب می‌نماید تا دولت افغانستان به حیث کشور عضو این محکمه در جریان رسیدگی به قضایای مربوطه از هیچ‌نوع همکاری در جهت تحقق عدالت در کشور دریغ نه‌نموده و زمینه را برای محاکمه مجرمان مطابق به مواد اساسنامه و مقررات محکمه مذکور و با در نظر داشت اصول محاکمه عادلانه مساعد نماید تا محاکمه ناقضان حقوق بشر باعث پند و عبرت برای دیگران گردد؛
۷. دولت افغانستان نهادهای مربوط به حقوق بشر را در مطابقت با ارزش‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی کشور اصلاح نموده و زمینه را برای کار و فعالیت بهتر ایشان مساعد نماید و هم برای تأمین امنیت آن‌ها اقدامات لازم را روی دست گیرد. علاوه بر آن برای حفاظت از جان، مال و کرامت انسانی خبرنگاران، که هر از گاهی مورد تجاوز و اهانت قرار می‌گیرند، تدابیر لازم اتخاذ نموده و عملاً از ایشان حمایت نماید؛
۸. تدریس حقوق بشر را در نصاب تعلیمی و تحصیلی کشور جا داده و هم از طریق رسانه‌های جمعی دولتی و خصوصی و هر وسیله ممکن و مجاز برای آگاهی مردم از حقوق بشر و به‌خصوص حقوق بنیادین بشر برنامه‌های لازم را روی دست گیرد و با استفاده از وسایل متذکره مردم را از فواید رعایت ارزش‌های حقوق بشری و عواقب ناگوار نقض آن‌ها آگاه سازد.